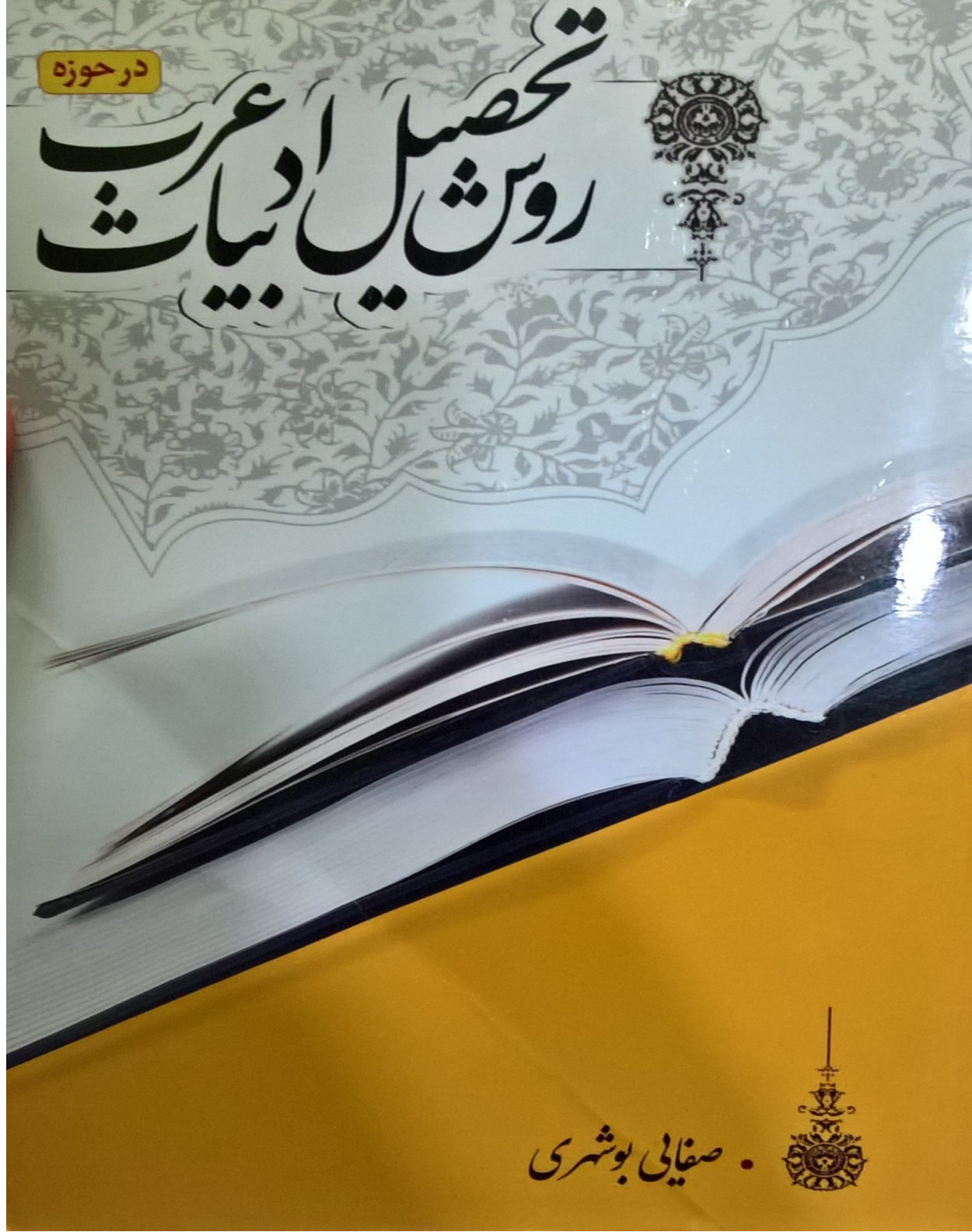


در حوزه

تحصیل ادبیات روشنی ادبیات



صفیایی بوشری .



پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

همواره یکی از مسائل مهم تحصیلات در حوزه‌های مقدسه علمیه که موجب می‌گردد در صدد مطالعه و بررسی و ارزیابی آن برآیم، و بارها مورد سؤال از سوی حضرات طلاب قرار می‌گیرم، شیوه صحیح تحصیل ادبیات عرب در حوزه می‌باشد. که طلبه از دوران مهم و آغازین حوزه که مرحله تحصیل ادبیات عرب است، به هدف تحصیلی آن علم نایل آید و مسلط بر قواعد ادبی و قادر بر کاربرد آن در عبارات باشد و معنای صحیح و واقعی کلام را درک نماید.

با توجه به نقش مهم ادبیات عرب در معارف اسلامی و عدم آشنایی کثیری از طلاب به کیفیت تحصیل صحیح این علم که نتیجه آن عدم تسلط لازم بر ادبیات عرب می‌باشد و بعضاً متأسفانه بعد از تحصیلات ادبیات عرب دانسته می‌شود که موفق به کسب مطلوب و هدف تحصیلی این علم نشده‌اند و آگاه می‌گردند که باید به سبک و شیوه‌ای خاص این علم را دنبال می‌نمودند، و یا هم‌اکنون در پی یافتن روش صحیح آن می‌باشند؛ تصمیم بر این گرفته شد که روش تحصیل ادبیات عرب بعنوان آدرس علمی تحصیل این علم در حوزه مورد بحث قرار دهم و بعد از اولین دوره تدریس، و ارزیابی تاثیر آن، مکرراً مواجه با استقبال طلاب و تاثیر مثبت آن در پیشبرد علمی آنان بوده‌ام، و پیوسته از ناحیه طلاب و اساتید، این مطلب مورد بحث و سوال و مراجعه بوده است تا اینکه خداوند توفیق نوشتن این مجموعه را داد که امیدوارم منشأ اثر خیر باشد.

قم - حوزه مقدسه علمیه

۲۳- کتب صرف در مراحل مختلفه	۵۱
۲۴- دوره تخصصی نحو	۵۴
۲۵- مبانی اجتهاد در نحو	۵۵
۲۶- بحثی پیرامون علم اصول نحو	۵۷
۲۷- منابع اجتهاد در نحو	۵۷
۲۸- کتب نحو در مراحل مختلفه	۶۱
۲۹- کتب صرف و نحو پیرامون قرآن و روایات	۶۶
۳۰- دوره تخصصی بلاغت	۶۷
۳۱- کتب بلاغت در مراحل مختلفه	۶۹
۳۲- کتب بلاغت پیرامون قرآن و روایات	۷۱
۳۳- کتب پیرامون تاریخ ادبیات عرب و ادباء	۷۲
۳۴- تتمه در ادبیات فارسی	۷۳
۳۵- خاتمه در ارکان تحصیل حوزه	۷۵
۳۶- نقش طلبه در رشد علمی خود	۷۵
۳۷- تقسیم عمر تحصیلی	۷۵
۳۸- نکات مهم لازم برای پیشرفت	۷۶
۳۹- پاسخ به سؤال مهم تحصیل ادبیات	۷۷
۴۰- نقش اساتید در تحصیل ادبیات	۷۹
۴۱- ارزش و نقش کتب ادبیات	۸۱
۴۲- فهرست مراجع	۸۳

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله اجمعين سيما بقية الله في الارضين روحى و ارواح العالمين له الفداء
﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴾
تمامی حرکات اختیاری انسان جهت دستیابی به یک هدف، حتی یک حرکت ساده مادی قبل از شروع نیازمند یکسری اطلاعات و مطالب مقدماتی راهنما می باشد، تا انسان با آگاهی به آن مطالب روشنگر و عمل به آن مبانی، به هدف و مقصود خود دست یابد.

امیر مؤمنان - علیه آلاف التحية والسلام - می فرمایند:

« مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهِ إِلَى مَعْرِفَةٍ ٢ »

بیان محمول محسوس مثلاً: حرکت یک انسان برای یافتن یک منزل، محتاج به یکسری معلومات مقدماتی است از قبیل داشتن آدرس و شناخت راه رسیدن به آن منزل، بررسی توان خود و انتخاب وسیله مناسب با در نظر گرفتن طول مسافت و نیروی خود، و روش و شیوه حرکت جهت رسیدن به آن مکان. که فقدان هر یک موجب نرسیدن و متوقف شدن و یا دیر به سر منزل مقصود رسیدن می باشد.

قاعدة حرکات فکری و علمی نیاز بسیار بیشتری به دانستن این مطالب اولیه هدايت کننده دارند زیرا که کسب معارف و تحصیل علوم بالاخص علوم الهی حرکتی بسیار مشکلتر و پیچیده تر از یک حرکت ساده مادی است.

بنابراین بصیرت داشتن در کیفیت و چگونگی تحصیل یک علم، از ضروریات ابتدایی فراگیری آن می باشد و به عبارت دیگر داشتن دستور العمل و راهنما و آدرس تحصیل یک علم جهت به نتیجه رسیدن کار تحصیلی، یک امر مسلم و عقلایی است، که جهل و یا عدم عمل به آن چیزی جز دست نیافتن و مسلط نشدن بر آن علم در بر

نخواهد داشت.

امیر مؤمنان - علیه السلام - می فرمایند:

« فَقَدْ الْبَصَرَ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدِ الْبَصِيرَةِ ١ »

به همین جهت مشاهده می گردد بسیاری از محصلین با اینکه کوشش فراوان و زحمات زیادی در فراگیری یک علم می نمایند لکن موفق به کسب تسلط و خلاقیّت در آن علم نمی شوند.

سأله مشغول تحصیل ادبیات عرب، اصول فقه، فقه، فلسفه و... می باشند اما درکی دقیق از این علوم و متبحر شدن در آنها در پی ندارد و به نتیجه مطلوب دست نمی یابند.

با بررسی علل و عوامل این مسأله در می یابیم که این ضعف و نقص نشأت گرفته

است از:

١- عدم شناخت روشن هدف تحصیل یک علم، مجهول بودن طریق و مسیر رسیدن به آن هدف علمی و نیافتن آن (گم شدگی علمی)

٢- نشناختن دقیق توان علمی خود جهت بکارگیری مناسب آن برای تحصیل آن هدف و در آخر ندانستن و نداشتن روش صحیح و ثمر بخش تحصیل آن علم.

بنابراین هر حرکت تحصیلی جهت تسلط بر یک علم، قبل از آغاز، نیازمند اطلاع عمیق و بررسی دقیق این مطالب و نکات اولیه هدايت کننده و راهنما می باشد:

معرضه ١ - شناخت دقیق و روشن هدف و مطلوب تحصیلی آن علم (شناخت هدف) معصه
معرضه ٢ - بررسی و یافتن طریق مستقیم تحصیل آن علم (شناخت مسیر) مسافت

٣ - ارزیابی استعدادی و نیروی تحصیلی جهت بکارگیری مناسب آن

(شناخت خود)

معرضه ٤ - شناخت روش و شیوه ثمر بخش تحصیلی آن علم (شناخت روش حرکت) تیره حرکت

این مسأله بدیهی است که تا انسان در تحصیلات خود، تصویر روشنی از مطلوب و هدف فراگیری یک علم نداشته باشد و نداند در تحصیل آن علم بدنبال چه خلاقیتی است و حیات علمی خود را صرف کسب چه چیزی می‌کند و جایگاه و ارزش وجودی آن علم را نداند؛ چون پُرگامی در امواج پر تلاطم طوفانهای علمی ناتوان و سرگردان و بسان غریقی است که در امواج خروشان، بدون هدف و مقصد شنا می‌کند که در نتیجه؛ بعد از اندکی جز غرق شدن، سرنوشت و سرانجامی ندارد.

و اصولاً در یک حرکت تا انسان هدف مشخص و مقصود و خاستگاه خاصی برای حرکت خود تعیین نکند، نمی‌تواند حرکت اصولی و صحیحی انجام دهد و تحرک او جز قدمهای مبهم و لرزان و بدون جهت، چیزی نخواهد بود. و هر چه بیشتر فعالیت نماید بیشتر از هدف دور می‌گردد.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

«الْعَامِلُ بِجَهْلٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِدُّهُ جِدُّهُ فِي السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا عَنْ حَاجَتِهِ»

لذا بینائی در شناخت هدف و مطلوب یک علم و دانستن این مطلب که من در تحصیل این علم بدنبال چه هدف و مقصودی هستم، اولین مطلبی است که باید یک محصل قبل از شروع هر علمی روشن نماید.

بنابراین طلبه بعد از شناسایی هدف، می‌داند غایت این علم چیست و بدنبال چه مطلوبی است لذا تمامی فعالیت‌های علمی خود را به سمت کسب آن، هدایت و متمرکز می‌نماید.

سپس بعد از آنکه دانست باید در تحصیل آن علم بدنبال چه چیزی باشد و هدف تحصیلی آن علم و جایگاه واقعی آنرا درک کرد، لازم است راه رسیدن و مسیر و ابزار صعود به آن مطلوب و هدف علمی را پیدا کند تا با طی کردن آن راه، به سر منزل مقصود آن علم نائل آید و راههای انحرافی را تشخیص دهد تا مبتلا به انحراف و

از هر دو دست
در هر دو دست
در هر دو دست
در هر دو دست

کجروی نگردد و از آن احتراز جوید.

لازم بذکر است که بین یک مبدأ و مقصد، بی‌نهایت راه هست لکن یکی از آنها مستقیم است و از مشخصات صراط مستقیم:

۱- وصول و رسیدن به مطلوب

۲- تقلیل در سختی مسیر

۳- عدم اتلاف وقت می‌باشد.

پس لازم است هر محصلی با توجه به حجم زیاد علوم مورد نیاز و کوتاهی اوقات امکان تحصیل، راه مستقیم بدست آوردن مطلوب و غایت هر علم را مورد بررسی قرار دهد و آنرا پیدا نماید. که در نتیجه، با سیر و حرکت در آن مسیر مستقیم علمی در کوتاهترین زمان ممکن بدون انحراف از طریق با کمترین سختی به هدف و مطلوب تحصیلی آن علم دست یابد.

همانطوریکه در یک مسیر مادی انسان ابتداء اهداف و راه مستقیم رسیدن به آن

تعیین می‌نماید سپس حرکت خود را آغاز می‌کند.

نکته سومی که باید طلبه قبل از آغاز تحصیل یک علم در آن دقت نماید، ارزیابی توان و نیروی تحصیلی و قدرت فعالیت علمی خود می‌باشد تا با بکارگیری صحیح نیروی علمی خود، از آن صراط و طریق به آن هدف علمی برسد و ناخودآگاه دچار افراط و تفریط نگردد و متناسب با نیرو و توان تحصیلی خود برنامه ریزی نماید. و بداند که با چه شتابی می‌تواند در تحصیل یک علم کوشش نماید.

امیر مؤمنان - علیه السلام - می‌فرمایند:

«الجاهل لَنْ يُلْقَى اَبْدًا اِلَّا مُفْرَطًا او مُفْرَطًا»

و در آخر بعد از در دست داشتن تصویر روشنی از هدف واقعی تحصیل یک علم، و مسیر صحیح فراگیری آن، و تشخیص واقع بینانه قدرت فعالیت خود، باید

از هر دو دست
در هر دو دست
در هر دو دست
در هر دو دست

متأسفانه جهل نسبت به هر کدام از این نکات مهم منجر به عدم دستیابی دقیق ادبیات عرب در سطح حوزه‌های علمیه می‌گردد. و ما در این رساله در پی بررسی دقیق این مطالب اولیه و راهنمای تحصیل ادبیات عرب می‌باشیم.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

«الفکر فی القَوَاقِبِ یُنْجِی مِنَ المعَاطِبِ»

ضرورت و هدف از تحصیل ادبیات عرب در حوزه:

اولین مطلبی که باید در این گفتار مورد بررسی قرار گیرد، ریشه یابی این نکته مهم می‌باشد که هدف از تحصیل دقیق ادبیات عرب چیست و محصل علوم اسلامی چه نیازی به فراگیری عمیق آن دارد و تبیین نقش و جایگاه ادبیات عرب در ساختمان و دستگاه معارف اسلامی، و بیان این مساله که ادبیات عرب در ساختار اندیشی و بنای علمی اندیشمند اسلامی دارای چه مقام و مرتبه‌ای است، تا کاملاً علت نیاز و انگیزه تحصیل ادبیات عرب و ارزش و جایگاه آن معلوم گردد و تصویر روشنی از هدف تحصیلی آن بدست آید. و در نتیجه، درک صحیحی از مقام و منزلت ادبیات عرب و مرتبه تاثیر آن در فهم معارف اسلامی و غایت و هدف از فراگیری آن حاصل گردد، و اینکه محصل علوم اسلامی بدانند در تحصیل ادبیات عرب بدنبال چیست و ارزش کاربردی و علمی آنرا در مجموعه علوم اسلامی دریابد، و بعد از شناخت دقیق اهمیت ادبیات عرب، جهت کسب آن تلاش هر چه تمامتر و متناسب با ارزش وجودی علم ادبیات عرب در ساختار معارف اسلامی بنماید، زیرا که شناخت علت نیاز و ضرورت دنبال نمودن هر شیء و درک ارزش و جایگاه آن، عنصر تعیین کننده و عامل محرکه جهت کوشش و جدیت هر چه بیشتر برای تحصیل آن می‌باشد.

منشأً نیاز و هدف از تحصیل ادبیات عرب در حوزه‌ها از دو جهت است:

علم ادبیات عرب از دو جهت مهم و اساسی و ریشه‌ای مورد نیاز است:

۱ - فهمیدن و درک صحیح و مطابق با واقع منابع علوم اسلامی (قرآن و روایات) در تمامی ابعاد معارف اسلامی چه در بعد اعتقادی و اندیشی که متکفل بیان حقایق نظام وجود و تکوین است و چه در بعد عملی و تبیین قوانین و برنامه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان. زیرا لسان این منابع الهی و نورانی، عربی هستند و عالم و دانشمند اسلامی که می‌خواهد معارف اسلامی را از این منابع استخراج و استنباط نماید باید ابتداءً باللسان این منابع دقیقاً آشنا باشد. لذا کلید اولیه فتح باب فهم منابع اسلامی، ادبیات عرب است. و آیات قرآن نیز گویای این نکته می‌باشند.

﴿إِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾

و در آیه دیگر این مطلب تکرار گردیده است.

و همچنین در روایات نیز امر به تعلّم و تحصیل ادبیات عرب به این دلیل شده است زیرا که دریچه درک علوم الهی و کانال ورود به بحر معارف اسلامی، فهمیدن لسان آن است.

امام صادق - علیه السلام - می‌فرمایند:

«تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي يُكَلِّمُ بِهِ خَلْقَهُ»

بنا بر این اولین علت تحصیل آن، این است که زبان منابع و مواخذ معارف اسلامی، عربی است و گام اول بسوی درک آن مطالب عالی، فراگیری ادبیات عرب

می‌باشد. و بدیهی است که دانستن و آگاهی بر معارف یک منبع، فرع بر فهمیدن لسان و زبان آن مأخذ و منبع می‌باشد. لذا شخصی که مسلط بر زبان این منابع گهربار نباشد و خلّاقیت کافی بر آن نداشته باشد، راهی بسوی علم به معارف اسلامی از سرچشمه زلال منابع آن نخواهد داشت، بدلیل اینکه لسان هر معنائی، بایی است بسوی فهمیدن معنای مراد آن. و این مطلب واضح و بدیهی است که فراگیری علوم در یک کشور بیگانه، ابتداءً تحصیل زبان آن کشور را لازم دارد. پس باب علم مدینه المعارف اسلامی و بحر انوار معارف الهی، علم کامل و دقیق به ادبیات عرب می‌باشد.

۲ - کسب توان و اقتدار بر فهم معارف اسلامی از منابع آن

همانطور که می‌دانیم فهمیدن صحیح و دقیق قرآن و روایات مبتنی بر تحصیل تعدادی از علوم است که موجب می‌شوند محصل علوم اسلامی، اقتدار و تسلط لازم بر فهم آن منابع گرانبه‌دار پیدا کند و توان درک صحیح مفاهیم از مؤاخذ الهی را دارا گردد مثل علم منطق، اصول فقه، فقه، تفسیر، رجال، درایه، فلسفه، کلام و...

لکن همانطور که ملاحظه می‌گردد زبان و لسان تدریسی و تعلیمی تمامی این علوم در حوزه‌های مقدسه علمیه عربی است بنابر این لسان تحصیل این علوم ایجاد کننده اجتهاد و استنباط در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی و زبان تحصیلی مدینه المعارف علوم اسلامی (حوزه‌های مقدسه علمیه)، همگی عربی می‌باشد.

لذا اگر کسی تسلط کافی و دقیق بر ادبیات عرب نداشته باشد، توان درک و فهم علوم مورد تدریس و تحقیق در حوزه را نخواهد داشت و در نتیجه، قدرت فهم قرآن و روایات را، بعلت ضعف از ناحیه ادبیات عرب، دارا نمی‌گردد هر چند علی الظاهر مشغول به تحصیل در حوزه باشد.

پس کلید آغازین علمی ورود به علوم حوزوی نیز ادبیات عرب است. که در نتیجه تحصیل صحیح و دقیق آن،

اولاً باب تحصیل علوم پایه درک منابع اسلامی

ثانیاً دریچه فهم معارف اسلامی از منابع الهی بر ما گشوده خواهد شد. و عدم تحصیل و یا ضعف در آن چیزی جز عدم توانایی و یا عدم درک صحیح معانی قرآنی و روایی و عدم استفاده از کتب علمی - تحقیقی آماده کننده انسان بر فهم آن منابع، در بر نخواهد داشت و بر این اساس است که علمای مؤسس حوزه - رضوان الله تعالی علیهم - قدم اول علمی حوزه را، ادبیات عرب با اینهمه تاکید و توجه قرار داده اند.

از بیانات قبل روشن گردید:

۱ - جایگاه ارزشی این علم عبارت است از: گام نخستین و قدم اول علوم اسلامی، و از علوم زیر بنایی و پایه معارف اسلامی است. و در بنای اندیشی و علمی اندیشمند اسلامی، حکم شالوده مهم این بنا را دارا می باشد بطوریکه ضعف و لغزش در تحصیل آن، موجب سقوط آن بنا می گردد.

۲ - هدف از تحصیل آن عبارت است از:

الف: اقتدار بر استنباط و فهم دقیق معارف الهی از منابع اسلامی (قرآن و روایات)

ب: تحصیل عمیق علوم اسلامی

۳ - علم ادبیات عرب در ساختار علمی معارف اسلامی علمی است آلی و مقدماتی، و فی حد نفسه ارزش اصالی ندارد بلکه جهت کسب معارف الهی مورد نیاز است.

مقدار نیاز کیفی و کمی تحصیل ادبیات عرب برای عالم معارف اسلامی

در بحث قبل، هدف، جایگاه ارزشی و مرتبه علم ادبیات عرب روشن گردید. و نقش و تاثیر آن بر بنای معارف اسلامی بیان شد. مسأله ای که در اینجا لازم است مورد تحقیق قرار گیرد، این است که محصل علوم اسلامی باید چقدر از علوم ادبیات عرب تحصیل نماید، و تا چه حد و مرتبه ای از این علم باید فرا گیرد، و به عبارت دیگر: از حیث کمی و کیفی چه اندازه از این علم ضرورت دارد که بیاموزد.

الف: بحث پیرامون کیفیت تحصیل ادبیات عرب:

بعد از اینکه مشخص شد، هدف از تحصیل این علم در حوزه های مقدسه اسلامی تسلط کامل بر فهم و درک دقیق معانی عبارات عربی است، چه قرآن و روایات و چه کتب تحصیلی و تحقیقی، و جایگاه بنیادی آن روشن گردید، سؤال مهمی در اینجا مطرح می گردد که عبارت است از اینکه طلبه باید تا چه سطح و مرتبه از علوم ادبیات عرب پیشرفت نماید و بدنبال تحصیل آن باشد که مورد نیاز یک دانشمند اسلامی است و برای او ضرورت دارد.

مراتب کیفی تحصیلی ادبیات عرب سه مرحله است:

۱ - مرحله تسلط و قدرت بر فهم و درک معانی از عبارات عربی و شناخت آراء مختلف و موثر در تغییر معنی

۲ - مرحله شناخت آراء مختلف و مبانی استدلالی آنها و تحقیق پیرامون دلائل استشهادی هر یک

۳ - مرحله اقتدار بر انتخاب و اختیار یک حکم ادبی و ابطال نظریات مخالف با دلیل و منطق خاص ادبیات عرب و قدرت حل تعارضات بین دلائل و استشهادات.

با توجه به هدف از تحصیل ادبیات عرب در حوزه، جواب سوال فوق روشن می گردد که همانا حداقل مقدار نیاز علمی تحصیل این علم، همان مرحله اول یعنی

تسلط کافی و قدرت داشتن بر فهم دقیق و عمیق تمامی عبارات عربی است و شناخت کامل قوانین و آراء مؤثر در درک معنی از کلام. و به عبارت دیگر باید طلبه بتواند با بکارگیری صحیح قواعد ادبیات عرب معنای کلام را بفهمد و اگر حیثاً می‌توان با پیاده کردن قاعده دیگری بر عبارت، معنای متفاوتی با معنای اول بدست آورد، بتواند با خلافت لازم با پشتوانه کامل دلائل و مبانی استدلالی ادبی یکی را انتخاب نماید.

مثلاً در آیه شریفه:

﴿ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي ﴾^۱

دوقاعده می‌توان اجراء کرد:

- ۱- هذا مبتدا و ربی خبر و جملة، اسمیة اخباریة باشد چنانکه زمخشری^۲، علامه طباطبائی^۳، شیخ طبرسی^۴ و طوسی^۵ فرموده‌اند.
- ۲- در آیه همزه استفهام محذوف، و در اصل «اهذا ربی» بوده و کلام انشائیة استفهامیة باشد چنانکه اخفش^۶ نظر داده است. و اختلاف معنی بنا بر این دو ترکیب روشن است و یک طلبه باید بتواند با توان و اقتدار ادبی یکی را اختیار کند.
- و در آخر باید این مطلب را بیان کرد که یک طلبه باید بعد از تحصیلات ادبیات عرب خود، مسلط بر خواندن و فهمیدن تمامی متون عربی و حتی قادر بر نوشتن

صحیح مطالب مورد نظر خود باشد چنانکه حضرات علماء کتب خود را به لسان عربی نوشته و می‌نویسند.

بر این اساس علماء و بزرگان مانند حضرت امام قدس الله نفسه الزکیه علم کامل به ادبیات عرب را، یکی از علوم مورد نیاز و ضروری عالم اسلامی و مجتهد می‌دانند و اجتهاد و فهم معارف اسلامی را متوقف بر تحصیل دقیق ادبیات عرب می‌دانند و در شمارش علوم ضروری برای اجتهاد می‌فرمایند:

«الوقوف على القواعد العربية و معرفة مفرداتها على حد يتوقف عليه فهم الكتاب و السنة و لا يحصل ذلك الا بمزاوتها و ممارستها على نحو يقف على قواعدها و مفرداتها و الكنايات و الاستعارات التي تختص بالكتاب و السنة و سائر الخصوصيات التي لا مناص للفقيه عنها»^۱

و همچنین شهید ثانی در منیة المرید^۲، سید مرتضی در الذریعة^۳، آقا ضیاء عراقی در نهاية الافکار^۴، علامه حلی در مبادئ الوصول الى علم الاصول و حضرت امام در الرسائل^۵ بر این مسأله تاکید دارند.

بنابراین این مقدار و تا این سطح از تحصیل ادبیات عرب، لازمه کار و مرتبه واجب و ضروری تحصیل این علم برای حضرات طلاب در تمامی سطوح، چه مبلغ و مدرّس و چه محقق و مجتهد و مؤلف می‌باشد، تا از دروس تحصیلی - تحقیقی معارف اسلامی در حوزه و قرآن و روایات استفاده کامل برند بطوریکه بتواند از منابع

۱- تهذیب الاصول ۳/ ۱۳۸

۲- منیة المرید ۱۴۱

۳- الذریعة ۲/ ۸۰۰

۴- نهاية الافکار ۴/ ۲۲۷

۵- مبادئ الوصول الى علم الاصول ۲۴۳

۶- الرسائل ۹۶

۱- الانعام ۷۵

۲- الکشاف ۲/ ۴۰

۳- المیزان ۲/ ۱۸۴

۴- مجمع البیان ۴/ ۱۸۷

۵- البیان ۴/ ۱۸۵

۶- مغنی البیب ۵

الهی (قرآن - روایات) براحتمی احکام فقهی - اخلاقی و اعتقادی را درک کنند و قادر بر مکانیکی عبارات و کار فنی (تجزیه و ترکیب) برآن باشند همچون یک نظامی که قدرت کامل بر مکانیکی و باز و بسته کردن اسلحه خویش را دارد. و طلبه خود بتواند در کتب تحصیلی حوزه پیش مطالعه دروس بنماید و با ذهنی آماده وارد جلسه درس شود و آنگاه نکات علمی درس را از استاد اخذ کند و بعد از درس توان تحقیق پیرامون مطالب مورد تدریس در کتب علماء داشته باشد، همانند یک فارسی زبان نسبت به یک کتاب علمی بزیان فارسی.

اما متأسفانه مشاهده می‌گردد، بعضی بعد از اتمام سالهای مهم و سرنوشت ساز اولیه تحصیل در حوزه که مشغول فراگیری ادبیات عرب هستند به این درجه از تسلط و توان ادبی نرسیده و قدرت پیاده کرده قواعد ادبیات عرب را بر متون و اخذ معنای عبارات را ندارند و نمی‌توانند متون کتب تحصیلی و تحقیقی را درست بخوانند و بفهمند در مقابل کوچکترین سوال صرفی و نحوی پیرامون یک عبارت، متوقف می‌گردند، لذا بهره‌ای از معارف اسلامی در آینده نخواهند برد.

بنابراین این افراد بهیچ وجه قدرت تحصیل صحیح در حوزه و تحقیق در علوم اسلامی و بررسی آیات و روایات و استنباط احکام و معارف الهی را نخواهند داشت در حالیکه تمامی اینها از علل و اهداف حوزه و طلبگی می‌باشند. و این گونه افراد در پشت سد عبارات متون اسلامی متوقف و راهی به معارف الهی ندارند.

ما بارها در عبارات بیان کرده‌ایم که ادبیات عرب را باید طلبه بطور دقیق و عمیق فراگیرد، دلیل آن این است که او می‌خواهد مطالبی را از عبارات به ذات اقدس باری تعالی و معصومین - علیهم السلام - نسبت دهد لذا باید کاملاً ادبیات عرب او قوی باشد تا عمیقاً پی به معنای واقعی عبارات ببرد و مطالبی را اشتباهاً به دین نسبت ندهد.

ب: بحث پیرامون مقدار کمی ادبیات عرب

مسئله‌ای که در این بحث مطرح است عبارت است از اینکه: با توجه به این نکته که علوم ادبیات عرب تعداد آنها زیاد است و هر کدام از حیث صرف وقت نیازمند مدت طولانی جهت فراگیری می‌باشد و با عنایت به هدف تحصیلی ادبیات عرب در حوزه که فقط تسلط کامل بر فهم عبارات عربی است، چه تعداد از علوم ادبیات عرب باید تحصیل شود، و بعد از مشخص شدن آن، چه مقدار زمان صرف فراگیری آن گردد؟

بنابراین بحث ما در این گفتار در دو بخش می‌باشد.

۱ - مقدار علوم ادبیات عرب مورد نیاز برای عالم اسلامی.

۲ - مقدار زمان تحصیل و تعداد کتب مورد تحقیق آن در حوزه.

اما بحث اول: مجموعه علوم ادبیات عرب مشتمل است بر چند علم که علماء در تعداد آن اختلاف دارند لکن مشهور بین علماء ۱۲ علم است.

النحو والصرف، العروض بعده اللغة ثم الاشتقاق، قریض الشعر، انشاء
كذا المعانی البیان، الخط، قافية تاریخ هذا لعلم العرب احصاء
و علم بدیع از توابع علم بلاغت و فقه اللغة و فروق اللغویة از ملحقات علم لغة
شمرده شده‌اند.

معیار و عنصر تعیین کننده تشخیص مقدار علوم ادبی مورد نیاز عالم اسلامی، همانا هدف غایی تحصیل ادبیات عرب در حوزه است که تسلط و خلاقیت لازم بر فهم دقیق کلام عرب در تمامی متون می‌باشد.

بنابراین آن علوم از ادبیات عرب مورد نیاز تحصیل حوزوی است که طلبه را به این هدف و مطلوب می‌رساند. با دقت و تتبع در این مجموعه علوم ادبی می‌یابیم که همه این علوم جهت وصول و رسیدن به آن هدف لازم نیست هرچند فراگیری آنها خالی از فائده نباشد. بلکه آن علوم ادبی که مورد نیاز حتمی و ضروری تحصیل در

حوزه‌های مقدسه علمیه است عبارتند از:

۱- لغت ۲- صرف ۳- نحو ۴- معانی ۵- بیان

الف: علم لغت: بعنوان علمی که بیان کننده معانی کلمات است و اصل و ریشهٔ جمیع کلمات مشتق، و خصوصیات کلمات از قبیل لازم و متعدی، مترادف یا مشترک و یا مختص بودن، معانی کلمه با تفاوت ابواب آن و ... بیان می نماید لذا جهل و یا ضعف علمی نسبت به آن، موجب عدم تسلط بر معانی کلمات و در نتیجه باعث نفهمیدن معانی کلام می گردد.

پس این علم اولین قدم و اساسی ترین نقش برای فهم معانی کلام را بعهده دارد، زیرا که کلمات در یک جمله، بمنزلهٔ مصالح ساختمانی نسبت به یک بنا می باشند و همانطور که اگر مصالح در ساختمان خوب تنظیم و چینش نشوند و دارای استحکام لازم نباشند، ساختمان و بنا واژگون خواهد شد، در ساختمان کلام نیز این گونه است که تا معنای تک تک مفردات و مصالح یک جمله بنحو احسن روشن نگردد معنای واقعی جمله بدست نمی آید چنانکه راغب اصفهانی^۱ و شیخ فخرالدین طریحی^۲ (رهما) به این مطلب تصریح داشته اند.

مثلاً: در آیه شریفه:

﴿كَانَ لَهُمْ خَيْرٌ مِّنْ نَّفْسِهِ﴾

اگر معانی کلمات را ندانیم اصلاً راهی بسوی معنای آیه نخواهیم داشت حتی اگر در یک کلام معنای تمامی کلمات بجز یک کلمه را بدانیم، همان مجهول بودن معنای آن کلمه، مانع از فهم معنای کلام می شود مثل کلمه (يُخْمِنُ) در این آیه شریفه:

﴿يَوْمَ يُخْمِنُ عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ﴾

ب: علم صرف: از آن جهت لازم است که به محصل توان شناخت معنای کلمات در صیغ مختلف و تسلط بر درک تحولات عارضه بر کلمه مثل اعلال، حذف، قلب، تخفیف و ... می دهد، و در او قدرت ساخت کلمات برای بیان مطالب، بواسطهٔ قرار دادن در صیغ متناسب ایجاد می کند.

مثلاً کلمه «قال» در آیه کریمه:

﴿قَالَ رَبُّكُمْ أَذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾

علم صرف بما می آموزد که معنای آن چیست، با بیان این مطلب که وزن و صیغه قال (فَعَلَ) برای افاده چه معنایی است (وقوع فعل در زمان گذشته توسط فردی مذکر) و چه تغییری در اصل او صورت گرفت: است زیرا که در اصل، این کلمه اجوف وای بوده است (قَوَّلٌ) و طبق قاعدهٔ «واو و یاء متحرک ماقبل مفتوح قلب به الف می گردد» تبدیل به قال شد و ریشه و مصدر آن نیز مشخص می نماید که «قول» بوده است و سپس برای شناخت معنای مصدر آن باید به علم لغت مراجعه شود و بواسطه معنایی که صیغه به او می دهد معنایی کنونی آن مشخص گردد. و در اینجا ارتباط علم صرف و لغت مشخص می شود.

این عملیات برای فهم معنی در تمامی کلمات متصرف، توسط علم صرف جاری است. و می توان گفت که علم لغت و صرف در مقام بیان معانی مفردات یک جمله هستند به این تفاوت که علم لغت، معانی جوامد و اصلها را بیان می کند و علم صرف معنای کلمات متصرف.

ج: علم نحو: علمی است که به ما بواسطهٔ قواعد اعراب و بیان ارتباط کلمات و جمل بایکدیگر، شناخت معانی صحیح کلام را می آموزد و قدرت ساخت کلام و

۱- مفردات راغب ۶

۲- مجمع البحرین ۱/ ۱

۳- المدثر ۵۰

۱- التوبه ۳۵

۲- غافر ۶۰

اظهار مطالب آن گونه که مراد است و مخاطب همان را می فهمد اعطاء می کند، و با بیان کیفیت اعراب مناسب هر کلمه در یک جمله، عنوان و وصف کلمات را در ترکیب مشخص می نماید.

مثلاً در آیه شریفه:

﴿ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا ﴾

علم نحو با قواعد خود بما می آموزد که چون فعل معلوم (ضَرَبَ) به اسمی نسبت داده شده است، آن اسم فاعل است و باید مرفوع باشد و علامت رفع بر اسمی بعد از فعل معلومی که به او نسبت داده شده، نشانه فاعلیت اوست لذا این علامت رفع، وصف عنوان آن اسم و بیان کننده این مطلب است که دارنده من (متون)، فاعل می باشد و همچنین در کلمه «مثلاً» چون فعل معلوم متعدی، واقع شده بر اسمی «مثلاً» و مفعول به است و علامت آن نصب، بنابراین این کلمه مفعول به است و منصوب و با بیان روابط بین این سه کلمه، اعراب و معنی جمله مشخص می گردد لذا می توان گفت علم نحو در بیان معنای کل کلام و جمله است.

د: علم معانی: از آن جهت لازم است که کیفیت بیان کلام مطابق با مقتضای حال را بیان می نماید و حال مخاطبین را در مقام بیان کلام توسط قواعد خود روشن می کند.

مثلاً: در این علم، بیان گردیده که اگر مخاطبین در مقام انکار عقائد متکلم بودند، واجب است کلام و جمله ای که بیان آن عقیده می کند، به مقدار انکار مخاطبین موکد باشد.

در آیه شریفه: ﴿ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴾ تاکید وجود دارد، زیرا مخاطبین این کلام در مقابل فرستاده های حضرت عیسی (ع)، منکر این مطلب بودند، و وقتی در

مرتبه دوم که آنها زیاد تر انکار کردند رسولان حضرت عیسی نیز تاکید بیشتری نمودند و گفتند ﴿ زَيْنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴾ که تاکیدات عبارتند از قسم (ربنا يعلم) و اِنَّ و جمله اسمیه و لام تاکید.

بنابراین علم معانی هم چگونگی کلام مطابق با حال مخاطب را بما می آموزد و هم حال مخاطبین کلام فصیح را (مثل قرآن - نهج البلاغه) برای ما بیان می کند.

س: علم بیان: علمی است که چگونگی بیان معانی مراد، به شیوه های مختلف، با مراعات مطابقت با مقتضای حال را تعلیم می نماید و توان درک مراد متکلم از کلام او ایجاد می کند مثل بیان یک مطلب به سبکهای حقیقی و انواع مجازات مثلاً برای بیان جود زید می توان از سبکهای متفاوتی استفاده کرد: حقیقی: زید جواد مجاز مرسل: زید اخو حاتم استعاری: زید بحر و کنائی: زید کثیر الرماد.

البته علم بدیع جهت شناخت محسنات ظاهری و صوری کلام، و فروق اللغة برای شناخت تفاوت معنوی کلمات متقارب المعنی مثل «صراط» و «طریق» و «سبیل» و علم اشتقاق جهت شناخت انواع اشتقاقیات نیز در مراتب بعدی لازم است، هرچند هم اکنون این سه علم در کتب معتبره بلاغی و لغوی و صرفی طرح می گردند.

اما در بین این علوم، علم لغت و صرف و نحو حائز اهمیت بیشتری است و در حکم پایه های اساسی این مجموعه می باشند چنانکه شهید ثانی می فرمایند: «الاجتهاد فی الاحکام الشرعیة یتحقق بمعرفة مقدمات الست و هی الکلام والاصول والنحو والتصرف واللغة»

زیرا که این سه علم به طلبه اقتدار، قدرت و تسلط بر فهم اصل معنای کلام را اعطاء می کنند. بنابراین با علم به این مجموعه ادبی، تسلط کافی و لازم بر فهم دقائق و لطائف عبارات عربی حاصل می گردد که ما مکرراً عرض کرده ایم همین غایت و

هدف از تحصیل ادبیات عرب در حوزه‌های مقدّسه علمیه است.

اما بحث دوم: پیرامون مقدار زمان لازم تحصیل و تعداد کتب ضروری جهت رسیدن به این هدف می‌باشد. با بیانات قبل روشن می‌گردد که مقدار زمان مورد نیاز جهت رسیدن به این مرحله، و تعداد کتب تحصیلی لازم برای کسب هدف و غایت ادبیات عرب در سطح حوزه، بستگی به وصول و نائل آمدن به آن هدف دارد، هر وقت طلبه به این درجه از کمال ادبیات رسید که بتواند عبارات عربی را در تمامی متون بطور صحیح بخواند و معنای واقعی کلام را درک کند و خلاقیت مکانیکی عبارات (تجزیه و ترکیب) را دارا گردد، زمان اختتام تحصیل ادبیات عرب اوست هرچند مدت آن بسیار کم و یا مقدار مختصری کتب ادبی تحصیل کرده باشد. و از طرف دیگر تا به این سطح از علوم ادبیات نرسیده است باید در تحصیل آن کوشش و جدّیت نماید.

بحث پیرامون مسیر تحصیل ادبیات عرب:

تحصیل هر علمی از راه خاص خود و ابزار مناسب آن میسر است، لذا شناسایی راه صحیح و آلات و ابزار ثمر بخش تحصیلی جهت استفاده و شناخت راههای انحرافی برای احتراز از آن، یکی از مسائل مهم مقدماتی تحصیل یک علم است.

مسیر رسیدن به تسلط بر یک زبان از دو طریق است:

الف: طریق حضوری: که عبارت است از حضور در جمع مردمی آن زبان و یادگیری تدریجی تکلم سپس خواندن و نوشتن که در نتیجه معاشرت و انس و محاوره با آن مردم حاصل می‌گردد.

ب: طریق تحصیلی: که عبارت است از فراگیری قواعد دستوری یک زبان و تحصیل دقیق قوانین آن و کار مداوم تمرینی و عملی بر متون، که نتیجه تسلط بر فهم عبارات آن زبان، قدرت نوشتن و تکلم به آن که با کار مستمر نوشتاری و مکالمه‌ای حاصل می‌گردد، می‌باشد.

اما راه اول هر چند ثمره آن خلاقیت بر مکالمه و سپس خواندن و نوشتن می‌باشد لکن مطلوب تحصیلی ادبیات عرب در حوزه به آن کسب نمی‌گردد، زیرا محاورات کنونی اعراب تفاوت بسیار زیادی با محاوره قرآنی و روایی و کتب تحصیلی دارند، مضافاً به اینکه این طریق برای حوزه مقدور نیست. لذا تنها راه دوم که طریق مرسوم و شایع یادگیری زبان در تمامی مراکز علمی است مسیر رسیدن به هدف تحصیلی ادبیات عرب در حوزه می‌باشد.

و بیان شد که این طریق عبارت است از:

۱- فراگیری دقیق قواعد و قوانین ادبیات عرب (لغت - صرف - نحو - معانی -

بیان) و طرز بکارگیری آن جهت تسلط بر فهم معانی عبارات.

۲- کار فنی برای توانایی بر کتابت و نوشتن بزبان عربی.

۳- تحصیل قدرت بر مکالمه بزبان عربی.

البته قابل ذکر است که در حوزه فقط جهت تسلط بر فهم و درک عبارات،

چند ساعته در اوقات دیگر، در آن ساعات در حد اقل زمان ممکن انجام می دهد.

۴- تحقیق جهت پیدا نمودن شیوه کار تحصیلی متناسب با قدرت علمی، بدلیل اینکه هر محصلی با شیوه و کیفیت خاصی، تحصیل و تحقیق برای او مفید است. مثل پیش مطالعه کردن جزوه بداری و ...

۵- بررسی عوامل و آفات عدم استفاده صحیح از ساعات تحصیلی و احتراز از آن

۶- شناخت عوامل ایجاد کننده نشاط روحی و جسمی و حفظ این عنصر مهم در ادامه موفقیت آمیز طلبگی.

۷- بررسی و شناخت محیط مناسب کار تحقیقاتی و تحصیلی متناسب با روحیه خود.

۸- بررسی عوامل موفقیت در استفاده کامل از ساعات تحصیلی و التزام به آن.

۹- تحقیق پیرامون اساتید و طلاب مفید و موثر جهت استفاده از آنها.

۱۰- بررسی و یافتن عوامل استفاده کامل از محیط کلاس و مباحثه و مطالعه و حضور ذهن در آنها.

۱۱- تحقیق و شناخت نوع تغذیه مناسب با طلبگی و کار علمی، و دوری جستن از تغذیه نامتناسب.

لازم بذکر است که عدم برنامه ریزی تحصیلی متناسب با توان فردی محصل، و مراعات ننمودن تناسب فعالیت تحصیلی با قدرت علمی، یکی از عوامل مهم عدم موفقیت علمی طلاب می باشد.

و در اینجا نقش ارزشمند بزرگان حوزه - ایدهم الله تعالی - جهت مشاوره و راهنمایی طلاب بسیار قابل تامل و دقت است و استفاده از تجارب علماء یکی از عوامل مهم موفقیت طلاب می باشد. انشاء الله در بحث مدیریت علمی در این باره مشروحاً مطالبی طرح خواهد گردید.

بحث پیرامون شیوه و روش صحیح تحصیل ادبیات عرب:

بعد از آنکه هدف و غایت و علت فراگیری و جایگاه ارزشی ادبیات عرب در بنا و ساختمان معارف اسلامی روشن شد، و مقدار کمی و کیفی تحصیل علوم ادبیات عرب مشخص گردید، و توان تحصیلی، مورد ارزیابی قرار گرفت؛ باید از مهمترین رکن تحصیلی هر علم که عبارت است از شیوه و روش صحیح فراگیری و اسلوب ثمر بخش تحصیلی آن، سخن به میان آورد، تا با شناخت و بکارگیری دقیق آن، وصول و دستیابی به نتیجه نهایی تحصیل ادبیات عرب میسر گردد.

لازم بذکر است که هر علمی از علوم، شیوه و اسلوب تحصیلی خاص خود را دارد که محصلین با آشنایی، و سپس کار برد آن به مقصود نهایی و غایت آن عام نایل می آیند و ادبیات عرب بعنوان جزئی از خانواده علوم از این مطلب جدا نمی باشد، و یکی از عوامل مهم موفقیت علماء، باید در پیدا نمودن روش تحصیلی صحیح در تک تک علوم و معارف اسلامی مورد بحث در حوزه های مقدسه علمیه دانست.

لذا مشاهده می گردد، حضرات علماء موفق، همواره از شیوه ها و اسلوبهای ثمر بخش استفاده نموده و غیر موفقین یا اصلاً از این مطلب که باید هر علم را با روش خاص خود دنبال کرد، اطلاعی نداشته یا اگر مطلع بوده اند، در انتخاب روش اشتباه کرده و یا در صورت شناخت اسلوب صحیح، آنرا بکار نگرفته اند.

حضرت محمد (ص) می فرمایند:

«مَنْ عَمَلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يَفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ»

شیوه تحصیل صحیح ادبیات عرب به ترتیب در دو مرحله است:

۱- مرحله تحصیل نظری ادبیات عرب.

۲- مرحله تحصیل عملی ادبیات عرب.

الف: مرحله تحصیل نظری: عبارت از تحصیل و حفظ قواعد ادبیات عرب

مورد نیاز حوزه و فراگیری کیفیت استفاده و بکارگیری قوانین جهت تسلط بر فهم دقیق معانی عبارات عرب می باشد.

بنابراین مراد از این دوره، علم به قوانین صرفی، نحوی و بلاغی و حفظ آن با یک روح و هدف مشخص و روشن که همانا عبارت است: از اینکه این قوانین جهت پیاده نمودن و اجراء و بکارگیری آنها بر متون عربی برای کسب معنای دقیق کلام می باشد، و این نکته مهم همیشه ملاحظه گردد که ارزش وجودی علم به این قواعد، کاربرد آنها جهت اخذ معنای واقعی کلام می باشد. و این مرحله گام اول در تحصیل ادبیات عرب است، لکن ۳۰ درصد مرحله تحصیلی این علم می باشد نه تمام آن، زیرا محصل تا طرز استفاده از قوانین ادبی و چگونگی کاربرد آنها و کسب معنای مطابق به آن قواعد که در تحصیل عملی ادبیات بیان می گردد، نیاموزد، نمی تواند عبارات را صحیح معنا نماید، که این خود هدف تحصیلی علوم ادبیات عرب است.

اما متأسفانه مشاهده می گردد تحصیل حوزوی ادبیات عرب تماماً فقط به این مرحله پرداخته و در این مرحله توقف نموده و از مرحله اساسی و اصلی باز داشته شده است و کار فنی و عملی صورت نمی گیرد.

لذا اگر طلبه بسیار خوب کار کند به ۳۰٪ که فقط حفظ و یادگیری قواعد است می رسد که اینهم بعد از چندی بفراموشی مبتلا می گردد و اگر ملاحظه می شود که بعضی، قواعد ادبیات عرب حتی الفیه ابن مالک حفظ هستند لکن یک عبارت را نمی توانند تجزیه و ترکیب و بررسی دقیق ادبی نمایند از این جهت می باشد.

استاد شهید مطهری می فرمایند: «در حوزه های علوم دینی ادبیات عرب خوانده می شود اما با متد غلطی، در نتیجه طلاب علوم دینی پس از سالها تحصیل ادبیات عرب با آنکه قواعد زبان عرب را یاد می گیرند، خود زبان عرب را یاد نمی گیرند.»^۱

ب: مرحله تحصیلی عملی ادبیات عرب:

رکن مهم و مرحله موثر تحصیل ادبیات عرب، کار عملی و تمرینی مداوم فنی بر عبارات و اجراء مستمر و استفاده کاربردی قواعد ادبیات بر متون برای کسب توان پیاده کردن و اجراء و تطبیق قواعد بر عبارات و درک نقش و ارزش علم بقوانین ادبی برای فهم دقیق عبارات است همانطور که یک فرد نظامی ابتداءً باید تئوریه و قوانین باز و بسته کردن اسلحه را بیاموزد، لکن این مقدار در ایجاد توان و تسلط کامل بر مکانیکی اسلحه کفایت نمی کند بلکه بارها در صحنه عمل، فرد نظامی دستور العمل ها را با نظارت استاد باید اجرا نماید تا هم قواعد اینکار ملکه ذهن او شود و هم چگونگی و طرز استفاده از آن قوانین را بداند و در موارد اشتباه، خطای خود را نیز تصحیح نماید. همچنین فردی که می خواهد حرفه مکانیکی را فراگیرد اولاً باید قواعد و قوانین آن کار را بیاموزد و این ۳۰٪ کار تعلیمی می باشد لکن مرحله اساسی تعلیمی آن در تحصیل عملی و پیاده کرده آن قوانین زیر نظر استاد می باشد.

تحصیل ادبیات عرب و سایر زبانها نیز اینچنین است اولاً باید مرحله نظری آن فراگرفته شود سپس وارد مرحله عملی تحصیل این علم گردید و این مرحله تقریباً ۷۰٪ از تحصیل کامل ادبیات عرب را دارا می باشد. بنا براین از آغاز و ابتداء تحصیل این علم باید روی این دو بُعد به اندازه درجه تأثیر و قدرت تعلیمی آنها توجه گردد و به بُعد عملی تحصیل آن، اهمیت بیشتری شود تا اینکه با کار مستمر تطبیقی قواعد ادبی بر عبارات و تمرینات مناسب و مکانیکی متون و باز و بسته کردن جملات (تجزیه و ترکیب)، خلایق لازم جهت کسب معنای واقعی از کلام بدست آید.

با بررسی و پژوهش مختصر در کتب تدریس زبان در مجامع علمی مشاهده می گردد، که همه آنها دارای این دو بُعد می باشند. و در مرحله تحصیل عملی سرمایه و اهمیت بیشتری گذارده شده است.

بنابراین، یک طلبه باید در ضمن تحصیل قواعد نظری ادبیات عرب، کار عملی و تمرینی و مکانیکی ادبی عبارات را در ابعاد صرف، نحو و بلاغت آغاز نماید و مرتباً هر چه می آموزد در متون عربی برای کسب معنای آنها پیاده و مورد استفاده قرار دهد،

تا با کاربرد قوانین ادبیات و اخذ معنی از کلام، کیفیت ارتباط بین علم به قوانین ادبی و درک صحیح معنای کلام روشن شود و قواعد نیز ملکه ذهن گردد و تسلط کامل بر طرز استفاده از آنها حاصل شود.

بر این اساس یک طلبه در دوران تحصیل ادبیات عرب باید با جدیت تمام این دو مرحله را فراگیرد.

۱- فراگیری دقیق و کامل قواعد

۱- مرحله تحصیل

۲- فراگیری کیفیت اجراء و استفاده

نظری ادبیات عرب

از قواعد جهت فهمیدن معنای واقعی کلام

۱- تمرین مداوم و کاربرد مستمر قواعد ادبی بر عبارات

۲- مرحله تحصیل

عملی ادبیات عرب

۲- فهم و اخذ معنای واقعی کلام مطابق با قواعد

و با ضمیمه کار عمومی و دائمی بر لغات عرب در متون مختلف (قرآن، نهج البلاغه، روایات، کتب تحصیلی و تحقیقی) و در نتیجه شناخت ارزش و هدف از تحصیل ادبیات عرب و روش صحیح فراگیری آن با تلاش و کوشش لازم و مورد انتظار از یک طلبه، بعد از مدت کوتاهی، او به آن هدف و غایت مورد نظر می‌تواند نائل آید. اما سوال مهمی که اینجا مطرح است، این می‌باشد که بعد از بیان کلیات روش صحیح تحصیل ادبیات عرب، چگونه و با چه برنامه ریزی صحیحی در دو بُعد تحصیل نظری - عملی این علم، جهت رسیدن به خلاقیت و تسلط کامل بر فهم کل عبارات، باید عمل

نمود و کار تحصیل این علم زیر بنائی را دنبال کرد؟

در پاسخ این سوال، باید گفت که روش تحصیل ادبیات عرب در دو بعد نظری - عملی برای دو دوره مطرح می‌باشد.

۱- دوره عمومی: که تمامی حضرات طلاب با هر هدف از تحصیلات حوزوی، ضرورت دارد آنرا فراگیرند.

۲- دوره تخصصی: که مربوط به حضرات اساتید و محققین ادبیات عرب در سطح حوزه می‌باشد.

الف: دوره عمومی: از خصوصیات این دوره، لزوم اتمام آن و وجوب کسب غایت و هدف ادبیات عرب که [تسلط و خلاقیت بر فهم عبارات عرب و کسب قدرت مکانیکی عبارات (تجزیه و ترکیب)] برای جمیع طلاب است زیرا که استفاده از منابع معارف و کتب علوم اسلامی متوقف است بر تحصیل دقیق ادبیات عرب. و از خصوصیات دیگر این دوره، وقوع آن در ابتداء تحصیلات حوزوی است و عدم تجربه کافی طلاب در استفاده کامل و صحیح از تحصیل در حوزه لذا بسیاری از طلاب بهمین علت موفق به فراگیری کامل و ثمر بخش ادبیات نمی‌شوند. و بعد از گذشت سالها از دوران تحصیلات حوزوی ملتفت می‌شوند که باید چگونه تحصیل می‌کردند و از عمر مفید تحصیلی خود که غیر قابل بازگشت است، به چه صورت استفاده می‌نمودند.

اما بهره برداری مناسب و نیل به هدف از این دوره ضروری و واجب، همانطور که بیان شد با روش نظری - عملی همگام میسر می‌گردد.

الف: کیفیت تحصیل نظری ادبیات عرب (دوره عمومی) با توجه به اینکه اولین گام در تحصیل تسلط بر ادبیات عرب فراگیری قوانین ادبی است و ضعف در آن موجب عدم درک صحیح عبارات و عقیم ماندن تحصیل ادبیات عرب می‌گردد، و کار عملی و اجراء قواعد بر متون نیز مترتب است ابتداءً بر فهم دقیق قواعد، لذا باید این نکته را مورد بررسی قرار داد که چگونه و با چه روشی بطور صحیح و کامل قواعد و قوانین صرفی - نحوی و بلاغی را فرا گرفته شود بطوریکه ملکه ذهن طلبه جهت استفاده از آنها

برای فهم عبارت، واقع می‌گردد. برای درک صحیح و کامل و دقیق قواعد ادبیات عرب باید نکات زیر مورد توجه واقع شود.

۱- هدف و قصد یادگیری قواعد و قوانین ادبیات اعم از صرف و نحو و بلاغت جهت استفاده و پیاده کرده آنها برای درک معنای صحیح است نه صرف حفظ کردن و گذراندن ایام تحصیلی ادبیات بدون کاربرد آنها.

۲- قواعد ذکر شده در کتب تدریسی ادبیات را دقیقاً مورد تحصیل قرار دهد و بطور عمیق مطالعه نماید، و موارد و محلهای استفاده از آنها را بداند و در این باره در مثالهای کتاب دقت کافی نماید.

۳- موارد اجراء و کیفیت پیاده نمودن و کاربرد قوانین ادبی را دقیقاً روشن نماید.

۴- بررسی و مطالعه کتب تحقیقی و تکمیلی در کنار کتب تحصیلی.

۵- پیش مطالعه دروس و پیش مباحثه آنها بقدر امکان.

۶- جزوه نویسی از دروس و دسته بندی قواعد و تکمیل آنها در دروس آینده.

۷- دوره کردن دروس سابق و مطالعه و مباحثه مجدد آنها با دیدی وسیعتر و دقیقتر.

۸- دقت داشتن در کلاس و تعلیلی دنبال کردن دروس.

۹- حل مشکلات زیر نظر استاد.

۱۰- جدیت لازم در فراگیری قواعد و حفظ آن و طلبه باید جدیت کامل و حسن مدیریت تحصیلی، و مراعات نمودن روش صحیح فراگیری ادبیات عرب در این دوران، ادبیات نظری و قواعد ادبیات عرب را بنحو احسن فراگرفته و گام اول را با استواری هر چه تمامتر طی نماید.

قابل ذکر است که در حوزه کتابی بعنوان تدریس علم لغت خوانده نمی شود لکن در کنار تحصیل علوم ادبی و نیاز درک معانی عبارات کتب تحصیلی غیر آن، مراجعه به کتب لغت آغاز می‌گردد و تا انتها کار علمی و تحقیقی ادامه می‌یابد و طلبه باید در

علم لغت این نکات را مورد مطالعه قرار دهد.

۱- شناخت کتب معتبر لغت و درجه بندی آنها.

۲- فراگیری دقیق معنای کلمات و معانی مختلف کلمات مشترک و موارد استعمال آنها و اوزان هر یک. مثل کلمه «البيع» که هم بمعنای خریدن است و هم فروختن و یا فعل ضَرَبَ و يَضْرِبُ از باب «فَعَلَ يَفْعُلُ» برای ۱۳ معنی وضع گردیده است و یا برای حرف باء ۱۴ معنی ذکر شده است.

مثلاً: کلمه «الملح» در دو باب «مُلِحَ يَمْلِحُ» بمعنای نمک ریختن است و در دو باب «مُلِحَ يَمْلِحُ» غیبت کردن و در باب «مُلِحَ يَمْلِحُ» نیکوئی صورت است و یا ماده «قُلْ» از باب «فَعَلَ يَفْعُلُ» بمعنای کم بودن است و در باب تفعل بمعنای قلیل قرار دادن شیء است و در باب تَفَعَّلَ دیدن شیء قلیل و در باب استفعال بمعنای قلیل شمردن شیء است.

۳- فراگیری تفاوت معنوی کلمات متقارب المعنی مثل صراط و طریق - واحد و احد.

۴- شناخت کیفیات کلمه از قبیل لازم و متعدی و خصوصیات هر یک مثل شیوه تعدی هر یک از افعال و شناخت قدرت تعدیه افعال متعدی مثلاً فعل «ذهب يذهب» از باب «فَعَلَ يَفْعُلُ» لازم است. توسط باء حرف جر در باب افعال متعدی می‌شود و یا فعل «ضرب» متعدی به یک مفعول و «علم» به دو مفعول و «اعلم» به سه مفعول متعدی است.

۵- شناخت ابواب افعال ماضی و مضارع و تفاوت معنای افعال در ابواب متفاوت.

۶- شناخت تفاوت معانی افعال بواسطه تعلق آنها بحروف جر مختلف مثل «رغب عنه» بمعنای اعراض و بی میلی و «رغب فيه» بمعنای میل و اشتیاق.

۷- شناخت مشتقات یک مصدر از قبیل اسم فاعل - اسم مفعول - صیغه مشبیه و...

۸- شناخت اوزان جمع، جمع الجموع، و بررسی خصوصیات لغوی اسماء مثل مونث مجازی معنوی مثل نفس.

۹- بررسی تدریجی دقیق کلمات قرآن و نهج البلاغه و روایات.

۱۰- دقت و مراعات نمودن کامل ضبط و اوزان کلمات مثل طَبِيبَةٌ که به غلط طَبِیة در وقت استعمال آن برای مدینه استفاده می‌شود.

باید این نکته را تذکر داد که تحصیل علم لغت در دوران تحصیل ادبیات عرب و غیر آن تدریجی است و لازم نیست طلبه یک کتاب لغت را مثل دیگر کتب تدریسی مطالعه و مباحثه کند بلکه در مواقع نیاز، مراجعه و با دقت کافی در موارد بالا، تسلط بر لغت برای او حاصل می‌گردد. و لازم است ابتداءً یک کتاب لغت عربی - فارسی یا کتاب تعلیم لغت مصوّر برای ترجمه لغات داشته باشد تا بعد از چندی به کتب لغت عربی به عربی مراجعه نماید.

نکته مهم: یکی از خصوصیات سبک و شیوه علمی حوزه، مراجعه مداوم و دوره کردن مستمر کتب تحصیلی است، لذا جهت تسلط و خلاقیت کامل در ادبیات عرب برای یک دانشمند اسلامی، لازم است در اولین فرصت ممکن در ایام تعطیلی، کتب بحث شده قبلی را دوره دقیق نظری - عملی نماید و در اولین تابستان بعد از اتمام دوران تحصیل ادبیات، یک دوره ادبیات در صرف و نحو، محور کار تحقیقی خود قرار دهد و با باز بینی قواعد و یاد آوری مجدد به پختگی کامل در این علم برسد و زمینه برای تحصیل راحت دیگر علوم فراهم آید زیرا،

«الْعِلْمُ وَخَشْيُ مَنْ تَرَكَ يَمْشِي»

ب: چگونگی تحصیل عملی ادبیات عرب (دوره عمومی)

بعد از آنکه بیان گردید روش صحیح تحصیل ادبیات عرب عبارت است از: ابتداءً یادگیری کامل قواعد صرفی، نحوی و بلاغی و سپس همگام با این دوره، تحصیل عملی ادبیات عرب و خلاقیت پیاده کردن قوانین ادبی و کسب معنای مراد از کلام، همچنین استفاده از آن قوانین جهت نوشتن عبارات صحیح عربی و مکالمه آن، باید گفت که این مرحله اخیر، بخش عمده تحصیل دقیق و کامل ادبیات عرب است بطوریکه اگر در فراگیری این علم، تنها به فراگیری قواعد پرداخته شود و چگونگی استفاده از این قوانین جهت ساخت و شناخت معنی، مورد تحصیل قرار نگیرد، محصل نمی‌تواند از محدوده حفظ مقطعی و زودگذر قواعد پا فراتر گذارد و از عبارات، معنای صحیح را اخذ کند که همانا هدف اصلی تحصیل ادبیات عرب می‌باشد، لذا مرحله اصلی و اساسی فراگیری زبان عربی، تمرین مداوم و همراه با تحصیل قواعد نظری و اجزاء قوانین بر عبارات و تصحیح اشتباهات و مکانیکی فنی ادبی متون می‌باشد، تا هم قواعد ادبی بواسطه استفاده مستمر، ملکه ذهن گردد و هم شیوه کاربرد قوانین ادبی فراگرفته شود و هم از همان ابتداء تحصیل، رابطه سه گانه

علم به قواعد + اجزاء قواعد بر عبارت - کسب صحیح معنای کلام، دانسته شود.

و روح حاکم بر تحصیل ادبیات این سه محور اساسی و اصلی باشد. بنابر این در کار تمرینی و عملی پیرامون ادبیات عرب چند ثمره مهم نهفته است:

- ۱- قوانین و قواعد ادبی مکرراً مورد استفاده قرار گرفته و ملکه ذهن می‌شود.
- ۲- محل و موضع صحیح اجزاء قواعد شناخته می‌شود.
- ۳- ثمره کاربردی هر قاعده معلوم می‌گردد.
- ۴- محل و مواضع استفاده غلط از قواعد روشن می‌گردد و تجربه می‌شود.
- ۵- تسلط بر مکانیکی عبارات در ابعاد صرف - نحو - بلاغت حاصل می‌گردد.

مثل آیه شریفه: ﴿لَنْ يَخْلَفَ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾^۱ و با کار در مثال بالا طلبه تشخیص می‌دهد چون فعل ﴿يَخْلَفُ﴾ به ﴿اللَّهُ﴾ نسبت داده شده پس از فاعل و مرفوع است. و یا در علم صرف بعد از فراگیری قاعده التقاء ساکنین علی حده که عبارت است از اینکه ساکن اول حرف لین و مدغم باشد و هر دو ساکن در یک کلمه قرار داشته باشند و حکم آن عدم تغییر و حذف است، مثال زده می‌شود مثلاً به ﴿ضَالِنٌ﴾^۲

طلبه در اینجا باید با دقت کافی در این قاعده و مثال، قدرت شناخت نوع التقاء ساکنین در کلمه ﴿ضَالِنٌ﴾ در آیه شریفه ﴿مَا هُمْ بِضَالِنِينَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۳ درک کند و مسلط باشد. و در التقاء ساکنین علی غیر حده که عبارت است از: التقاء ساکنینی که یکی از شرائط بالا را دارا نباشد و علاج آن حذف حرف عله است مثال زده می‌شود به ﴿إِضْرِبَنَّ﴾ که در اصل إِضْرِبُونَ، بوده است طلبه با توجه لازم، باید بتواند کیفیت تغییر در کلمه ﴿لَتُسْأَلُنَّ﴾ در آیه شریفه ﴿لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾^۴ را پیدا کند.

۲- با توجه به اینکه تمامی کتب تدریسی ادبیات عرب در حوزه بجز اندکی عربی هستند که این خود بهترین شیوه تعلیم یک زبان است باید محصل از همان ابتداء، بعد از فراگیری یک قاعده، آنرا در همان عبارات کتاب پیاده و مراعات نماید و معنای کلام را با توجه به این قاعده اخذ نماید. مثلاً در کتب نحو گفته شده است: «حروف الجر تجر الاسم فقط و هي سبعة عشر حرفاً». و سپس معانی هریک بیان می‌شود. در این هنگام باید طلبه در تمامی عبارات در محلهائیکه از حروف جر استفاده شده است، بتواند با مراعات آن قاعده اعرابی و معنای حرف جر، معنای واقعی کلام را درک نماید. و در تمامی مباحثات و مطالعات و محیط تحصیل باید

شیوه کار عملی تحصیل ادبیات عرب:

کیفیت کار عملی در روند فراگیری ادبیات عرب در دو مرحله است:

۱- مرحله زمان تحصیل ادبیات عرب.

۲- مرحله بعد از تحصیل ادبیات عرب و اشتغال به علوم دیگر.

الف: مرحله زمان تحصیل ادبیات عرب

مرحله اول در ایام تحصیل ادبیات عرب و سالهای آغازین تحصیل حوزه می‌باشد که با توجه به اینکه این زمان، کار اصلی و وظیفه تحصیلی طلبه فراگیری ادبیات عرب است، و ضمناً این مرحله بعنوان دوره عمده تحصیل ادبیات عرب مطرح می‌باشد، باید طلبه روی این مرحله تحصیلی بیشتر و دقیقتری انجام دهد و با جدیت تمام به کار عملی پیرامون این علم بپردازد. و عمده‌ترین و اساسیترین کار عملی تحصیل ادبیات همگام با فراگیری قواعد نظری ادبی عبارتند از:

۱- از مثالها و شواهد مذکور در کتب ادبی جهت تطبیق و اجراء قواعد بر عبارات استفاده کرده و چگونگی کسب معنی بواسطه اجراء این قواعد یادگیرد و متوجه این مسأله باشد که اگر مثالی در کتاب ذکر می‌گردد برای پیاده کردن قاعده بر آن مثال است تا اینکه محصل در موارد مشابه بتواند قاعده را اجراء کند و معنای واقعی را اخذ نماید.

مثلاً در علم نحو ذکر می‌گردد که فاعل عبارت است از اسمی که فعل معلومی به او نسبت داده شود مثل «ذهب زيد» این مثال برای پیاده کردن آن قاعده می‌باشد که به زيد، فعل معلوم (ذهب) نسبت داده شده و علامت فاعل نیز رفع است بنابر این باید علامت رفع باو داد و طبق این ترکیب معنی کرد (زيد رفت). و از این مثال باید طلبه استفاده کند و هر فعل معلومی که نسبت داده شود به اسمی، او را فاعل بداند و مرفوع، و موارد مشابه را خود بتواند اعراب گذاری صحیح نماید.

۱- الحج ۴

۲- الحمد ۷

۳- البقره ۱۰۲

۴- التكاثر ۸

کاملاً مراعات و مواظبت و دقت در عمل به قواعد بحث شده بنماید.

۳- متن دروس گذشته را با هدف بازیابی قواعد و کار عملی و اعراب گذاری و تجزیه و ترکیب متون و ترجمه آنها و مباحثه مجدد و جزوه نویسی کتب گذشته، تکرار نماید.

۴- بعد از اولین کتاب صرفی و نحوی شروع کند به تجزیه و ترکیب ابتدایی زیر نظر استاد و بعد از پیشرفت در این کار روزانه ۵ آیه از سور آخر قرآن تجزیه و ترکیب نماید و با هم بحثهای خود مورد بحث قرار دهد.

۵- بعد از اتمام یک کتاب صرفی و نحوی شروع به جمله نویسی زیر نظر استاد کند و بعد از سال اول اقدام به انشاء نویسی نماید و پیرامون متن انشاء با هم بحثهای خود مباحثه کند و بعداً به استاد نشان دهد. زیرا که این عمل گذشته از اینکه قواعد را دوباره به ذهن می آورد و چگونگی استفاده از قواعد ادبی و پیاده کردن قوانین بر عبارات خویش و ارائه مطالب به مخاطبین، به طلبه یاد می دهد، قدرت پیاده و تطبیق و اجراء قواعد بر عبارات دیگران نیز می آموزد.

۶- پیش مطالعه و دقت در اعراب گذاری عبارات و توجه به اعراب گذاری استاد به جهت تصحیح اشتباهات اعرابی خود.

۷- بعد از سال اول با مطالعه کتب مکالمه عربی، شروع به تکلم ابتدایی بزبان عربی نماید.

ب: مرحله تحصیل عملی بعد از دوران تحصیل ادبیات عرب

یکی از عوامل مهم موفقیت کامل در تحصیل ادبیات عرب (در سطح حوزه) ادامه کار عملی و کاربردی و مراجعه به کتب ادبیات بعد از دوران رسمی فراگیری ادبیات عرب است. بعد از آن که طلبه در دوران تحصیل ادبیات عرب، قواعد و قوانین ادبی، و سپس با کار تمرینی، محل اجراء و کیفیت استفاده از احکام آن، جهت فهم دقیق معنای عبارات را فراگرفت و پختگی لازم برای ورود به علوم اسلامی را یافت، جهت استمرار روند فراگیری دقیق و کامل و تسلط کافی بر ادبیات عرب، لازم است کار عملی و استفاده کاربردی از احکام ادبیات عرب را در وقت تحصیل علوم دیگر حوزه نیز، دنبال نماید تا با استفاده از قواعد ادبی، آن احکام ملکه ذهن گردد و به فراموشی سپرده نشود و هم با بکارگیری قوانین ادبی معنای دقیق کلام در کتب تدریسی حوزه درک گردد. و در آن علم نیز پیشرفت لازم میسر شود بنابر این لازم است جهت کار عملی و استفاده از قوانین ادبی برای ملکه شدن قواعد، و تسلط در بکارگیری و ابقاء آن و فهم دقیق مطالب کتب تحصیلی حوزه، طلبه مراعات نکات زیر بنماید.

۱- دقت در صحیح خوانی و اعراب گذاری کتب تحصیلی و استفاده از قواعد صرفی و نحوی جهت اعراب گذاری و فهم دقیق عبارات هنگام پیش مطالعه، مباحثه، مراجعه، و مطالعه کتب تحقیقی و شروح، لذا لازم است طلاب در مباحث خود اولاً یکبار متن را کار ادبی و اعراب گذاری نمایند و اشتباهات یکدیگر را تصحیح کنند و سپس به کار فنی و علمی کتاب پردازند و تازمانیکه صحیح خوانی و علت اعراب عبارات ملکه شود، اینکار را ادامه دهند.

۲- دوره کردن مجدد دروس صرف و نحو بادیدی و سطحی بالاتر همراه با تحقیق در شروح و کتب تحقیقی در دو بُعد فراگیری مجدد قواعد ادبی و اعراب گذاری و ترجمه متن همراه با یاد داشت برداری از تحقیقات.

۳- تجزیه و ترکیب و سپس ترجمه کردن تدریجی قرآن - نهج البلاغه و روایات.

۴- انشاء نویسی بزبان عربی در موضوعات مختلف و تصحیح ادبی (صرف و

نحو) توسط دیگران.

۵- حاشیه نویسی صحیح بر کتب تحصیلی.

۶- دنبال کردن کار مکالمه در سطحی بالاتر.

۷- بعد از اطمینان به رسیدن به مرحله فهم دقیق عبارات و تحقیق ابتدایی پیرامون ادبیات عرب، شروع به تدریس خصوصی نماید و قبل از تدریس دقیقاً و تعلیلی درس را تحقیق کند و مطالب و سؤالات مطرح شده در تدریس، تحقیق و بررسی شود. «دوره تخصصی ادبیات عرب در حوزه»

بعد از اتمام مرحله عمومی فراگیری ادبیات عرب در حوزه که نتیجه آن تسلط کافی و کامل بر فهم دقیق عبارات عرب است، دوره تخصصی ادبیات عرب (در سطح حوزه) شروع می‌گردد. و این سطح مخصوص حضرات محققین، مؤلفین و مدرسین محترم ادبیات عرب در حوزه‌های مقدسه علمیّه می‌باشد.

لازم بذکر است که مراد ما از تخصص در ادبیات عرب، اجتهاد در این علم نمی‌باشد بلکه مراد ما از تخصص در اینجا تسلط و خلاقیت بر قوانین و احکام ادبی و شناخت آراء مختلف در یک موضوع و اطلاع کافی بر علل استنباطی احکام ادبی است. هر چند با ادامه و استمرار در این کار، همراه با فراگیری مبانی استنباط احکام ادبیات عرب مثل علم اصول نحو، و استقراء در عبارات معتبر در استنباط احکام ادبی و کار فنی در حلّ تعارضات ادله؛ اجتهاد در ادبیات عرب دور از دسترس نمی‌باشد. بنابر این لازم است برای رسیدن به این مرحله عالی در تمامی علوم ادبی مورد نیاز حوزه (لغت - صرف - نحو - معانی - بیان)، کار فنی و تحصیل اصولی و تعلیلی با منطق خاص ادبیات عرب با جدّیت آغاز گردد و علوم دیگر ادبیات عرب مثل بدیع، فروع اللغة، فقه اللغة، خط، املاء و عروض نیز مورد بررسی قرار داده شود. و باید اذعان داشت در حوزه‌های علمیه وجود افرادی در این سطح جهت آموزش و تدریس، تالیف

و تحقیق ضرورت دارد.

شیوه کار تخصصی در ادبیات عرب

الف: علم لغت:

تحقیق تخصصی پیرامون علم لغت باید از دو جهت ملاحظه گردد:

۱- روش تحقیق در علم لغت.

۲- استقراء و پژوهش کتب معتبر علم لغت.

الف: روش تحقیق در علم لغت: مبنا و موضوع کار و هدف علمی از تحقیق در علم لغت، شناخت معانی حقیقی، و موارد استعمال کلمات و کیفیت استعمال آن مثل (لازم و متعدی)، و خصوصیات وصفی آن مثل (مشترک و مختص)، و تحولات معنوی کلمه در روند زمان (نقل)، از منابع معتبر عرب و شناخت عناوین لغات مثل (تذکیر و تأنیت) و دسته بندی کردن لغات تحت این عناوین، و مطالعه در لغات مختلف این زبان و تحقیق پیرامون اصطلاحات، اصوات، علائم و امثال زبان عرب، می‌باشد.

ب: استقراء و تحقیق لغوی:

پژوهش پیرامون لغات در کتب معتبر لغت عرب بعنوان کار عملی و فنی علم لغت می‌باشد. و در آغاز نیازمند شناخت منابع استنباط معانی و استعمال کلمات، و شناخت کتب معتبر علم لغت و ارزیابی دقیق و طبقه بندی کتب معجم می‌باشد. سپس با تعیین یک موضوع و مسأله لغوی به کتب لغت که اعتبار مأخذی دارند مراجعه نماید و با تحقیق تطبیقی کتب معجم به حقیقت موضوع دست یابد و در صورت اختلاف و تعارض منابع، با در دست داشتن ملاک و تشخیص مرجحات، واقع را دریابد.

۱- ایجاد هیأتها و انجمنهای علمی مثل هیأت ادبی زیر نظر شورای محترم مدیریت جهت پیشبرد این علم یکی از کارهای لازم می‌باشد.

شیوه کار استقرایی تخصصی در علم لغت:

- ۱- تحقیق پیرامون علم اللغة، فروق اللغة و فقه اللغة و ارتباط بین آنها.
- ۲- بررسی دقیق عناوین کلمات از قبیل مختص و مشترک و انواع اشتراک از قبیل معنوی و لفظی، و نقل و ارتجال و مصنوع و معرّب، لازم و متعدی بودن و کیفیت استعمال آنها.
- ۳- شناخت خصوصیات کلمات مثل مفرد و جمع و اوزان متعدد آنها.
- ۴- بررسی اوزان و صیغ در معنای کلمات.
- ۵- شناخت ملاک تشخیص حقیقت و مجاز و استفاده از آنها در منابع استنباط معانی کلمات.
- ۶- بررسی دقیق کلمات قرآنی و روایی از کتب معتبر بیان کننده معانی آنها و ارزیابی نقاط اختلاف.
- ۷- بررسی اصطلاحات عرفی و علمی عرب.
- ۸- بررسی امثال زبان عرب و استفاده آن در قرآن و روایات.
- ۹- تحقیق در لغات اقوام عرب و تاثیر هر کدام در قرآن و روایات.
- ۱۰- آشنایی با قواعد املاء لغات عرب.

کتب لغت

كتب لغت

- ١- تاج العروس زبيدي
- ٢- لسان العرب ابن منظور
- ٣- العين خليل بن احمد
- ٤- اساس البلاغة زمخشري
- ٥- فقه اللغة صبحي صالح
- ٦- تهذيب اللغة ازهرى
- ٧- فقه اللغة المقارن سامرائي
- ٨- الافصاح فى فقه اللغة حسين يوسف موسى - عبد الفتاح الصعيدى
- ٩- الاضداد ابن سكيث
- ١٠- اسرار اللغة العربية دكتور ابراهيم انيس
- ١١- تاريخ ادب العربية مصطفى صادق الرافعى
- ١٢- مجمع الامثال ميدانى
- ١٣- المصطلحات العلمية فى اللغة العربية فى القديم و الحديث المصطفى الشهابى
- ١٤- اللغة العربية معناها و مبناها دكتور تمام حسان
- ١٥- علم اللغة دكتور على عبدالواحد الرافى
- ١٦- دراسات العربية فى اللغة واللهجات عبدالقادر المقربى
- ١٧- فلسفه اللغة العربية و تطورها جبر ضومط

٣- مقطع كامل تحقيقى

- ١- مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانى
- ٢- مجمع البحرين فخرالدين طريحي
- ٣- تراجم الالفاظ و اللغات القرآنية كمال الدين محمود
- ٤- قاموس الالفاظ و الاعلام القرآنية محمود اسمعيل ابراهيم
- ٥- قاموس قرآن موسى حسن محمد
- ٦- حسن البيان فى تفسير مفردات القرآن محى الدين احمد جانبى
- ٧- مجمع البيان الحديث دارالكتاب اللبنان و المصر
- ٨- تفسير مجمع البيان (قسمت لغت) شيخ طبرى
- ٩- تفسير التبيان (قسمت لغت) شيخ طبرى
- ١٠- نثر طوبى علامه شعرانى
- ١١- الخزانة اللغوية و الدليل اللغوى لكتب الاربعة
- ١٢- معجم دقيق لالفاظ القرآن موسى حسن محمد
- ١٣- مجاز القرآن ابو عبيده
- ١٤- الفضحى لغة القرآن انور الجندى
- ١٥- قاموس القرآن او اصلاح الوجوه والنظاير فى القرآن دامغانى
- ١٦- المعجم الجامع لغريب مفردات القرآن الكريم جمعى از علماء

كتب لغت پيرامون
قرآن و حديث

كتب لغت

- ١ - معجم الوسيط دكتور ابراهيم انيس - عبدالمعظم منتصر
- ٢ - اقرب الموارد سعيد خورى شرتوتى
- ٣ - مصباح المنير فيؤمى
- ٤ - المنجد ليوس مألوف
- ٥ - العربية للناشئين جمعى از اساتيد
- ٦ - المدخل فى اللغة العربية حيدرى
- ٧ - قواعد الاملاء عبدالسلام محمد هارون
- ٨ - الفلسفة اللغوية والالفاظ العربية جرجى زيدان
- ٩ - المعجم المفصل فى اللغة و الادب ميثال عاصى - اميل بديع يعقوب

١ - مقطع تحصيلي

كتب لغت

- ١ - صحاح اللغة جوهري
- ٢ - قاموس المحيط فيروز آبادى
- ٣ - المزهر (١) سيوطى
- ٤ - معجم مقاييس اللغة ابن فارس
- ٥ - فروق اللغوية ابو هلال عسكرى
- ٦ - دراسات فى اللغة محمد الخضر حسين
- ٧ - شرح عنقود الزواهر مولى عبدالرحيم
- ٨ - فقه اللغة ثعالبى
- ٩ - فقه اللغة و خصائص العربية محمد مبارك
- ١٠ - المستقصى فى المثل العرب زمخشري
- ١١ - مصادر التراث العربى فى اللغة عمر الدقاق
- ١٢ - اللغة بين العقل والمغامرة دكتور مصطفى مندور
- ١٣ - فى اصول اللغة والنحو دكتور فواد حنا ترزى
- ١٤ - النهاية ابن اثير
- ١٥ - جمهرة اللغة ابن دريد

٢ - مقطع ابتدائى تحقيقى

ب: دوره تخصصی علم صرف

این مرحله بعد از تسلط کافی بر شناخت معانی صیغ و تحولات کلمه و تغییرهای لفظ آغاز می‌گردد و در دو مرحله است:

الف: مرحله تحقیق ابتدایی:

این دوره جهت تسلط دقیق بر علم صرف و آمادگی برای تدریس کتب صرف یک امر لازم و ضروری است و اتمام کامل فنی این مرحله، خلاصیت تدریس دقیق علم صرف (در حد حوزه) ایجاد می‌نماید.

موارد تحقیق:

- ۱ - تحقیق در کتب مورد تدریس در حوزه و کتب صرفی هم سطح آن.
- ۲ - مباحثه دقیق و تحقیقی و تعلیلی کتب صرفی حوزه.
- ۳ - تسلط بر علل ادبی احکام صرف.
- ۴ - آشنایی ابتدایی بر مبانی استنباط احکام صرف.
- ۵ - تسلط بر موارد استثناء قواعد صرف.
- ۶ - بررسی موارد اختصاصی احکام صرف مثل اعلالهای اختصاصی ابواب.
- ۷ - تحقیق در کتب صرفی مرحله دوم (در بخش کتب صرف ذکر می‌گردد).
- ۸ - بررسی تطبیقی موضوعی مسائل صرف در کتب این مرحله.
- ۹ - بررسی ارتباط بین علم صرف و لغت.

ب: مرحله تحقیق کامل:

این مرحله بعد از اتمام تحصیل دقیق صرف و تسلط کافی بر مرحله اول تحقیق، شروع می‌شود و تحقیق عمیق و دقیق در این مرحله خلاصیت لازم در علم صرف در حد حوزه‌های مقدسه علمیه را ایجاد می‌نماید.

موارد تحقیق:

- ۱ - بررسی موضوعی قواعد صرف و شناخت آراء پیرامون آن.
- ۲ - تحقیق پیرامون علل تحولات صرفی کلمات مثل: اعلال - ابدال - ادغام -

تخفیف - قلب و تمویض و موارد قیاسی و سماعی آنها.

۳ - پژوهش و استقراء در کتب معتبر صرف و شواهد استنباطی احکام آن.

۴ - بررسی دقیق هیئات و اوزان و ابنیه و معنای حقیقی آنها و ارزیابی اختلاف

علماء در این باب.

۵ - شناخت کامل مبانی استنباطی علم صرف.

كتب صرف

- ١- مختصر الصرف
- ٢- شرح الاثموني (صرف)
- ٣- شرح ابن عقيل (صرف)
- ٤- نحو الوافي (صرف)
- ٥- شرح التصريف
- ٦- النـهجة المرضية (صرف)
- ٧- اوضح المسالك (صرف)
- ٨- دروس التصريف
- ٩- المزهر (٢)
- ١٠- نزهة الصرف

مرحله مقطع
تحقيق ابتدائي

كتب صرف

- ١- شرح شافيه
- ٢- شرح نظام
- ٣- التصريح على التوضيح (صرف)
- ٤- الكتاب جلد ٢
- ٥- شرح شافيه
- ٦- شرح شافيه
- ٧- دراسات في علم الصرف
- ٨- العربية الضحى
- ٩- الممتع في الصرف

مرحله مقطع تحقيق كامل

شيخ رضى
نظام نيشابورى
ازهرى
سيبويه
جاربردى
نقره كار
عبدالله درويش
اليسوعى
ابن عصفور

دوره تخصصی نحو: این دوره بعد از تسلط لازم بر اعراب گذاری صحیح و تعلیلی، و فهم دقیق معنای کلام و جمل، شروع می‌گردد. و در دو مرحله است:

۱- مرحله ابتدایی تحقیق.

۲- مرحله تکمیلی تحقیق.

لازم بذکر است، مراد از دوره تخصصی در این دو مرحله، کار فنی و اصولی پیرامون علم نحو در سطح حوزه‌های مقدسه علمیه است و الا اگر مراد تخصص نحو در سطح مافوق حوزه باشد مسیر و شیوه و روش کار تحقیقی در سطح دیگری نیازمند است.

الف، مرحله ابتدایی تحقیق،

لازم است، محصل محقق جهت تسلط بر احکام و قوانین و اختلاف آراء و خلاقیت در امر تدریس کتب نحو و فهم عمیق مطالب و مسائل نحو، این مرحله را بعنوان مرحله ابتدایی تحقیق مورد بررسی و پژوهش قرار دهد.

مواد تحقیقی:

۱- بررسی دقیق و تعلیلی کتب نحو مورد تدریس در حوزه.

۲- تحقیق در شروح و دقت در مطالب آنها.

۳- دقت کافی در شواهد و امثال و بررسی منطقی و اصولی آنها.

۴- دسته بندی موضوعی قوانین و اصناف کلمات از حیث علم نحو.

۵- آشنایی ابتدایی به علم اصول نحو.

۶- کار فنی و دقیق نحوی بر قرآن و روایات.

۷- بررسی علمی ارتباط علم لغت، صرف و نحو.

۸- تحقیق پیرامون فلسفه و علت تدوین علم نحو و نقش معنوی اعراب در

تراکیب.

۹- مباحثه مکرر کتب نحو و دقت در تبیین مطالب و بیان تعلیلی آنها.

۱۰- تدریس خصوصی با پشتوانه تحقیق قبل از تدریس.

ب: مرحله تکمیلی تحقیق:

این دوره مشتمل است بر تحقیق و بررسی پیرامون احکام و منابع معتبر استنباط قوانین نحو، و ارتباط علم اصول نحو با احکام آن و شیوه کار فنی اجتهاد قواعد، و ارزیابی مکاتب نحوی.

موارد تحقیقاتی در این مرحله عبارتند از:

۱- مطالعه دقیق علم اصول نحو، جهت آشنایی با کیفیت استنباط احکام نحو و حل تعارضات ادله.

همانطور که علم فقه برای استنباط احکام نیازمند ۲ رکن اساسی است.

الف: علم اصول فقه.

ب: منابع استنباط احکام فقه.

مثلاً: برای اینکه حکم نماز دانسته شود، ابتداءً باید منابع احکام شرع را شناخت - و ثانیاً کیفیت استنباط و اخذ آن حکم از منابع را دانست، علم نحو نیز چون در مقام بیان احکام و قوانین اعرابی و ترکیبی کلمات و جمل می‌باشد، نیازمند منابع استخراج احکام نحو، و علمی است که متکفل بیان کیفیت استنباط احکام نحو از آن منابع معتبر، و شیوه حل تعارضات ادله در منابع می‌باشد و لذا علم خاصی در این باره تدوین یافته بنام علم اصول نحو و کتب متعددی پیرامون آن نوشته شده است مثل الاقتراح، لمع الادله، خصائص و ... مثلاً برای اینکه دانسته شود که آیا اذا شرطیه از ادات شرط جازم است یا خیر؟ باید به منابع معتبر ادبیات عرب مراجعه کرد، و با علم اصول نحو حکم این مسأله را استخراج و استنباط کرد، لذا محققین علم نحو با استقراء در منابع، به شعر عبدقیس بن خفاف که از شعراء جاهلی است تمسک می‌کنند،

استغن ما اغشاک ریک بالفنی و اذا تصبک خصاصة فتجمل^۱
و استشهاد می شود که «اذا» فعل «تصیبک» را جزم داده و سپس بواسطه التقاء ساکنین «یا» حذف گردیده است. پس نتیجه گرفته می شود که «اذا» از ادات شرط جازم می باشد. مسأله ای که بعد از آن مطرح می گردد این است که آیا عمل «اذا» فقط مختص شعراست یا اینکه، در نثر و اختیار نیز جازم می باشد؟ برای حل این مسأله با مراجعه به نثرهای فصیح معتبر عرب مثل:
آیه شریفه

﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾^۲

و در علم اصول حجیت استشهادی آیات نیز اثبات گردیده، استنباط می شود که در نثر عامل جزم نمی باشد لذا گفته می شود: اذا جازم شرط و جزا در ضرورت شعری فقط می باشد.

و در مواقع تعارض منابع استنباط و حل تعارضات ادله در باره یک حکم نحوی، قواعد خاصی مطرح است. مثلاً: در بین نحاة اختلاف است که آیا مجرور بعد از حذف جار به جر خود باقی می ماند یا منصوب می گردد؟ گروهی از نحاة مثل خلیل بن احمد قائل به نصب مجرور بعد از حذف جار گردیده اند و برای اثبات قول خویش، به شعر ساعدة بن جؤیه از شعراء مخضرم که در علم اصول نحو حجیت استنباطی اشعار آن دروه ثابت گردیده، تمسک جسته اند،

لَذَنِّ بِهِزُ الْكَفِّ يَغْسَلُ مَثْنَةً فیه کما عَسَلَ الطَّرِيقُ ثَغْلَبَ^۳

۱- لسان العرب ۷۶/۵ الخزانة ۲۴۳۴/مع الهوامع ۱/۲۰۶ اساس البلاغة ۳۵۷ معانی القرآن ۳/ ۱۵۸ الباب ۲۸ اعراب القرآن ۳/۸۸۷ النهجه المرضیه ۱۹۷ مغنی اللیب ۵۰ شرح شواهد المغنی ۱/ ۲۷۱/
۲- القلم ۱۵
۳- شرح الکافی ۱/۱۶۸ اوضح المسالک ۲/۱۶ مع الهوامع ۲/۸۱ شرح الاشمونی ۲/۹۱

که در اصل بوده است «عَسَلَ فی الطریق» و بعد از حذف جار تبدیل به منصوب گردیده است.

اما گروهی دیگر از علماء مثل سیبویه، بقاء جر مجرور بعد از حذف جار را جائز دانسته اند و استشهاد به شعر فرزذق از شعراء مقدم کرده اند که در علم اصول نحو حجیت استنباطی آن دوره نیز ثابت گردیده،

إِذَا قَبِلَ أَيْ النَّاسِ شَرُّ قَبِيلَةٍ أَشَارَتْ كَلْبٌ بِالْأَكْفِ الْأَصَابِعِ^۱

که در اصل «اشارت الی کلب» بوده و بعد از حذف جار، «کلب» به جر خود باقی مانده است. در این صورت دو دلیل استنباطی معتبر تعارض دارند و باید محقق در نحو بتواند این تعارض را شناخته و آنرا با بکارگیری مرجحات نحوی که عبارتند از:
۱- مرجحات سندی.

۲- مرجحات متنی حل نماید و توان بالنسبة فهم حکم نحوی در این مسأله را دارا باشد.

۳- شناخت منابع معتبر استنباط احکام نحو که عبارتند از:

- ۱- سماع و نقل معتبر عرب.
- ۲- اجماع: (اتفاق اهل بصره و کوفه)^۲
- ۳- قیاس: (حمل غیر منقول بر منقول بشرط داشتن شرائط قیاس)^۳

الخزانة ۱/۴۷۴ الكتاب ۱/۲۵ و ۱۲۳ شکل اعراب القرآن ۱/۴۲۲ و ۱۱۹ مجمع البیان ۲/۴۰۲

التصريح على التوضيح ۱/۳۱۲ شرح شواهد المغنی ۱/۱۷ منحة الجلیل ۱/۵۴۰

۱- شرح ابن عقيل ۲/۲۱۲ اوضح المسالک ۲/۱۵ مع الهوامع ۲/۳۶ شرح الاشمونی ۲/۹۰

ديوان الفرزدق ۳۶۲ الخزانة ۳/۶۶۹ الاتصاف ۲۸۲ مجمع البیان ۲/۵۳۲ النحو الوافی ۲/۱۵۶

التصرع على التوضيح ۱/۳۱۲ شرح شواهد المغنی ۱/۱۲ منحة الجلیل ۱/۵۴۱

۲- الاخصائص ۱/۱۸۹

۳- الاتراح ۹۴

۴- استصحاب: (ابقاء حال لفظ بر آنچه مقتضای اوست در وقت شک) ۱

قابل ذکر است که در تعداد منابع، بین علماء اختلاف است. ابن انباری ۲ منابع نحو را سه تا می‌داند و اجماع را از منابع ادله نحو نمی‌شمارد و ابن جنی ۳ قائل است به اینکه منابع استنباط نحو سه تاست و استصحاب را از ادله نحو نمی‌داند اما مهمترین منبع استنباط احکام نحو سماع و نقل عرب است لکن این منبع دارای دو شرط می‌باشد.

۱- زمان نقل

۲- مکان نقل

الف: زمان نقل: زمان معتبر نقل عرب سه دوره است و ناقلی که بکلام او تمسک

می‌شود باید از یکی از این سه زمان باشد.

۱- جاهلیت: (زمان پیش از اسلام) مثل امرء القیس.

۲- مخضرم: (تلفیق زمان جاهلیت و اسلام) مثل لبید.

۳- مقدم: (صدر اسلام تا زمان امام باقر (ع)) مثل فرزددق زمان بعد از این سه

دوره که مولد نام دارد، اشعار شعراء و کلام عرب اعتبار استنباطی ندارد و از شعرای اولیه این دوره بشار بن برد و متنبی می‌باشند.

ب: مکان معتبر نقل عرب: ناقلی که به کلام او می‌شود جهت استنباط احکام ادبیات تمسک کرد باید از مرکز شبه جزیره العرب باشد. لذا سیوطی در الاقتراح ۲ از فارابی نقل می‌کند که قبائل معتبر در لغت عرب عبارتند از:

۱- قریش ۲- قیس ۳- تمیم ۴- اسد ۵- هذیل ۶- طی ۷- بعضی از قبیله کنانه و

۱- الاقتراح ۱۷۲

۲- لمع الادلة ۲۷

۳- الاقتراح ۹۴

۴- الاقتراح ۵۶

طائف.

اما قبیله لخم و حذام بجهت مجاورت با اهل مصر، و قبیله قضاعه و غسان و ایاد بعلت مجاورت با اهل شام، و قبیله نمر و تغلب بدلیل همسایگی با یونان، و قبیله بکر بعلت مراودت با فارس، و قبیله عبدالقیس و اهل بحرین بجهت همسایگی باهند، و اهل یمن بدلیل مجاورت با حبشه و قبیله بنی حنیفه و سکان یمامه و ثقیف و بعضی از سکان طائف بعلت مراودت گسترده با امم غیر عرب، از عبارات آنها جهت اخذ حکم و قوانین نحوی استفاده نمی‌شود و اعتبار استنباطی ندارد.

۳- شناخت مکاتب پنجگانه نحو و اختصاصات هر کدام (بصره - کوفه - بغداد - مغرب - اندلس).

۴- کار موضوعی پیرامون احکام نحو و تحقیق در کتب معتبر نحو درباره آنها.

۵- بررسی دقیق دلائل آراء نحاة و درک نقاط ضعف و قوت هر یک با منطق خاص نحو.

۶- تدریس مکرر فنی و تحقیقی کتب نحو.

۷- تحقیق تاریخی درباره ظهور علوم نحو.

۸- نقش و تأثیر ابوالاسود دثلی، خلیل بن احمد، عیسی بن عمرو، سیبویه، ابوعلی فارسی، ابن حاجب، ابن انباری، ابن هشام سیوطی در رشد ارتقاء علم نحو و پیدایش مکاتب نحو.

۹- تحولات علمی پیرامون علم نحو و تأثیر مکاتب نحو بر یکدیگر و بررسی مذهب التقاطی در نحو که از جمله قائلین آن ابن مالک و ابن هشام می‌باشد.

۱۰- ارزیابی ارتباط علم نحو و علم قرائت.

۱۱- بررسی و ارزیابی شیوه جدید طرح احکام نحو و روش قداماء.

كتب نحو

مرحلة تحصيل

مقطع
متوسطه

- ١ - شذور الذهب
- ٢ - مبادئ العربية ٣ و ٤
- ٣ - القواعد الاساسيه
- ٤ - النهجۃ المرضية
- ٥ - اللباب فى النحو
- ٦ - شرح ابن عقيل
- ٧ - المرجع فى اللغة العربيه
- ٨ - المختار فى القواعد و الاعراب

- ابن هشام
- شرتوتى
- هاشمى
- سيوطى
- عبد الوهاب الصابونى
- ابن عقيل
- عليرضا
- عليرضا

كتب نحو

مرحلة تحصيل

مرحلة نهائى

- ١ - شرح الاشمونى
- ٢ - معجم النحو
- ٣ - جامع الدروس العربيه
- ٤ - منحة الجليل
- ٥ - اوضح المسالك
- ٦ - شرح جامى *
- ٧ - المورد الكبير
- ٨ - مغني الاديب

- اشمونى
- عبد الغنى الدقر
- غلايينى
- محيى الدين عبد الحميد
- ابن هشام
- جامى
- فخر الدين قباوة
- جمعى ازاسايد

كتب نحو

مرحلة تحصيل

شرتوتى
ابن هشام
امين على السيد
شيخ بهائى
الانطاكى
مصطفى امين - جازم
دكتور عبدالهادى الفضلى
زين العابدين التونسى
دكتور شهابى
حسين المرتضى

- ١ - مبادئ العربية جلد ١ و ٢
- ٢ - قطر الندى
- ٣ - فى علم النحو
- ٤ - صمدية
- ٥ - المنهاج
- ٦ - النحو الواضح
- ٧ - مختصر النحو
- ٨ - المعجم فى النحو
- ٩ - قواعد اللغة العربية
- ١٠ - الوسيله الادبيه

مقطع
ابتدائى

كتب نحو

كتب نحو

مرحلة تحصيل

- | | |
|----------------------------------|---------------------|
| ١ - شذور الذهب | ابن هشام |
| ٢ - مبادئ العربية ٣ و ٤ | شرتونى |
| ٣ - القواعد الاساسيه | هاشمى |
| ٤ - النهجۃ المرضية | سيوطى |
| ٥ - اللباب فى النحو | عبد الوهاب الصابونى |
| ٦ - شرح ابن عقيل | ابن عقيل |
| ٧ - المرجع فى اللغة العربيه | عليرضا |
| ٨ - المختار فى القواعد و الاعراب | عليرضا |

مقطع
متوسطه

كتب نحو

مرحلة تحصيل

- | | |
|-------------------------|-----------------------|
| ١ - شرح الاشمونى | اشمونى |
| ٢ - معجم النحو | عبد الغنى الدقر |
| ٣ - جامع الدروس العربيه | غلايينى |
| ٤ - منحة الجليل | محمى الدين عبد الحميد |
| ٥ - اوضح المسالك | ابن هشام |
| ٦ - شرح جامى | جامى |
| ٧ - المورد الكبير | فخر الدين قباوة |
| ٨ - مغني الاديب | جمعى ازاسايد |

مرحلة نهائى

كتب نحو

مرحلة تحقيقى اوليه

مرحلة تحقيقى
اوليه

- ١- النحو الجديد
- ٢- غاية التحقيق
- ٣- حاشيه صبان
- ٤- حقائق النديه
- ٥- مع الهوامع
- ٦- الاقتراح فى علم اصول النحو
- ٧- المعجب فى النحو
- ٨- فلسفه النحو
- ٩- نحو الوافى
- ١٠- التصريح على التوضيح

شوقى ضيف
صفى ابن بصير
صبان
سيد على خان
سيوطى
سيوطى
رؤف جمال الدين
ابوالبركات
عباس حسن
ازهرى

مرحلة كامل
تحقيقى

كتب نحو

مرحلة كامل تحقيقى

- ١- مغنى اللبيب
- ٢- شرح كافيه
- ٣- شرح ابيات المغنى
- ٤- شرح شواهد المغنى
- ٥- الانصاف فى مسائل الخلاف
- ٦- علم اصول النحو
- ٧- الكتاب جلد ١
- ٨- لمع الادلة
- ٩- ابيات الاستشهاد
- ١٠- الخزانة
- ١١- الرد على النحاة
- ١٢- سر صناعة الاعراب
- ١٣- الايضاح
- ١٤- محاضرات الادباء
- ١٥- شرح المفصل
- ١٦- البحث النحوى عند الاصوليين
- ١٧- المدارس النحويه
- ١٨- المقتضب
- ١٩- الاشباه والنظائر

ابن هشام
شيخ رضى
بغدادى
سيوطى
ابن انبارى
سعيد افغانى
سيبويه
ابن انبارى
ابن فارس
بغدادى
ابن مضاء قرطبى
ابن جنى
زجاجى
راغب
ابن يعيش
رؤف جمال الدين
شوقى ضيف
المبرزد
سيوطى

دوره تخصصی علم بلاغت:

این دوره نیز بعد از مرحله تحصیل دقیق علم بلاغت شروع می‌گردد، و مشتمل بر دو بخش است:

۱- مرحله ابتدایی تحقیق. ۲- مرحله تکمیلی تحقیق.

الف: مرحله اول: دوره تحصیل تسلط بر کتب تدریسی بلاغی در حوزه و قدرت اجراء قواعد علم بلاغت بر عبارات بلاغی مثل قرآن و نهج البلاغه می‌باشد. موارد تحقیقی:

- ۱- بررسی دقیق احکام بلاغی در کتب تدریسی.
 - ۲- تحقیق در شروح و کتب بلاغی هم سطح کتب تدریسی بلاغت در حوزه.
 - ۳- آشنایی کامل با نحوه کاربرد قوانین بلاغی در آیات و روایات و اشعار.
 - ۴- تدقیق کافی در شواهد و امثال بلاغی کتب.
 - ۵- مباحثات مکرر کتب بلاغی تحصیلی.
 - ۶- دسته بندی احکام بلاغی.
- ب: مرحله دوم: دوره تحقیق و تسلط عمیق بر علم بلاغت در سطح حوزه، و کسب ذوق ادبی و کارفنی دقیق بلاغی در عبارات می‌باشد. موارد تحقیق:

- ۱- بررسی دقیق کتب معتبر علم بلاغت.
- ۲- تحقیق موضوعی احکام فصاحت و بلاغت و علل بلاغی هر یک.
- ۳- بررسی دقیق قرآن و نهج البلاغه و ادعیه از حیث بلاغت و فصاحت.
- ۴- تحقیق پیرامون ارتباط علم بلاغت و فصاحت با فطرت انسان و تاثیر کلام بلاغی بر روحیات بشری.

- ۵- بررسی نحوه پیوستگی علم معانی - بیان - بدیع.
- ۶- تحقیق پیرامون ادبیات بلاغی فارسی و تأثیر علم بلاغت عربی بر آن.
- ۷- بررسی و روان شناسی شعر و شناخت جایگاه انسانی آن.

- | | |
|---|-----------------|
| ۱- البیان فی غریب اعراب القرآن | ابن انباری |
| ۲- املاء ما مَنَ به الرحمن | ابو البقاء |
| ۳- معانی القرآن | فراء |
| ۴- اعراب القرآن | زجاج |
| ۵- اعراب القرآن و بیانه | مصطفی درویش |
| ۶- الجدول فی اعراب القرآن | محمود صافی |
| ۷- مشکل اعراب القرآن | مکی ابن ابیطالب |
| ۸- اعراب القرآن | ابو جعفر نحاس |
| ۹- مجمع البیان (بخش اعراب) | طبرسی |
| ۱۰- اعراب ثلاثین سورة من القرآن | ابن خالویه |
| ۱۱- اعراب مائة آية من سورة البقرة | محمد عقیف ربعی |
| ۱۲- سراج المهدی فی القرآن و مشکله و اعرابه ابراهیم بن احمد شیبانی | |
| ۱۳- الفرید فی اعراب القرآن المجید | رشید همدانی |

کتب نحوی و
صرفی پیرامون قرآن

كتب بلاغى

مصطفى جازم

محيى الدين عبد الحميد

هاشمى

تفتازانى

دكتور بكرى شيخ امين

١ - البلاغه الواضحه

٢ - تهذيب السعد

٣ - جواهر البلاغه

٤ - مختصر

٥ - البلاغه العربية فى ثوبها الجديد

مقطع تحصيلى

كتب بلاغى

سيد احمد خليل

السيوطى

هاشمى

تفتازانى

لطفى عبد البديع

١ - المدخل الى دراسة البلاغه العربية

٢ - شرح عقود الجمان

٣ - جواهر الادب فى الادبيات والانشاء

٤ - مطول

٥ - فلسفه المجاز

مرحله اول

تحقيقانى

كتب بلاغى

- ١- اطول
- ٢- اسرار البلاغة
- ٣- البلاغة تطوراً و تاريخاً
- ٤- سر الفصاحة
- ٥- المفصل فى علم البيان و الفصاحة
- ٦- الدراسة و النقد فى مسائل البلاغة الهامة
- ٧- الصور الفنية فى التراث النقد البلاغى
- ٨- فنون الادبية و اعلامها
- ٩- الفن و مذهبها فى الشعر العربى
- ١٠- فى تاريخ البلاغة العربيه
- ١١- الخزائن الادب و غاية الارب
- ١٢- البيان

مرحله دوم
تحقيقات

حسام
جرجانى
دكتور شوقى ضيف
خفاجى
الرماني
الفضلى
دكتور جابر احمد عصفور
انيس المقدسى
شوقى ضيف
دكتور عبدالعزيز عتيق
ابن حجة الحوى
جاحظ

- ١- اعراب القرآن و بيانه
- ٢- الجدول فى اعراب القرآن
- ٣- معانى القرآن و اعرابه
- ٤- دلائل الاعجاز
- ٥- تفسير الكاشف
- ٦- النكت فى اعجاز القرآن
- ٧- تلخيص البيان فى مجازات القرآن
- ٨- مجازات النبى
- ٩- مشكل الحديث
- ١٠- البيان و التبين
- ١١- مجاز القرآن
- ١٢- البرهان فى علوم القرآن ٢
- ١٣- شرح نهج البلاغه

كتب بلاغى پيرامون
قرآن و روايات

مصطفى درويش
محمود صافى
زجاج
جرجانى
زمخشري
رمانى
سيد رضى
سيد رضى
ابوبكر ابن قورك
جاحظ
ابو عبيدة
الزركشى
خونى

- ۱- تاریخ الادب العربی طه حسین
- ۲- تاریخ آداب اللغة العربیة جرجی زیدان
- ۳- تاریخ الادب العربی دکتر شوقی ضیف
- ۴- تاریخ ادبیات عرب فلاخوری
- ۵- معجم الادباء شهاب الدین یاقوت
- ۶- نزهة الالباء فی طبقات الادباء ابن اثباری
- ۷- طبقات النحویین و اللغویین زبیدی
- ۸- بغیة الوعاة فی احوال النحاة سیوطی
- ۹- الوسیط فی الادب العربی و تاریخہ الشیخ احمد اسکندری و المصطفی غنائی
- ۱۰- ریحانة الادب محمد علی مدرس خیابانی تبریزی
- ۱۱- المدخل فی الادب العربی هاملتنی
- ۱۲- تاریخ الادب العربی دکتر عمر فروخ
- ۱۳- مصادر الدراسة الادبیة یوسف اسعد داغر
- ۱۴- الزائد فی الادب العربی انعام الجندی

تاریخ الادب و الادباء

«تتمه»

آگاهی به ادبیات فارسی بعنوان زبان اراده و بیان مطالب و لسان گفتاری معارف اسلامی برای حوزه های شیعی یک امر مهم و قابل توجه است لذا آشنائی با قواعد دستوری، املائی، بلاغی و روش نویسندگی، نگارش و ویرایش و تسلط کافی بر مجموعه ادبیات فارسی، برای حضرات طلاب لازم می باشد جهت آگاهی به مطالب فوق می توان به کتب زیر مراجعه شود:

- | | |
|--------------------------------|-------------------|
| ۱- دستور زبان فارسی | جمعی از نویسندگان |
| ۲- دستور زبان فارسی | دکتر طالقانی |
| ۳- مبانی علمی دستور زبان فارسی | پرفسور احمد شفاهی |
| ۴- اصول دستور زبان فارسی | دکتر طالقانی |

دستور زبان فارسی

(صرف و نحو فارسی)

- | | |
|-----------------------------|------------------------|
| ۱- فنون بلاغت و صناعات ادبی | سید جلال الدین همائی |
| ۲- معالم البلاغة | جلیل رجائی |
| ۳- سبک شناسی | محمد تقی بهار |
| ۴- علم بدیع در فارسی | سید محمد رضا دائی جواد |
| ۵- شعر و ادب فارسی | عابدین مؤتمن |

بلاغت

- | | |
|-----------------------------------|------------------------|
| ۱- فرهنگ املائی و آیین درست نویسی | عماد افشار |
| ۲- چگونه باید نوشت | محمد معین |
| ۳- تراز یا روش نویسندگی | اسدالله مبشری |
| ۴- هنر نویسندگی | علی دوانی |
| ۵- راهنمای نگارش و ویرایش | دکتر یاحقی و دکتر ناصح |
| ۶- آیین نگارش | احمد سمیعی |

نگارش و املاء و ویرایش و روش نویسندگی

خاتمه

در فراگیری یک علم در حوزه و دیگر مراکز علمی، چهار رکن اساسی، عامل موفقیت محصل در آن علم می باشد که با برنامه ریزی صحیح و مدیریت قوی و بکارگیری دقیق این چهار عامل، نیل به مطلوب تحصیلی هر علم میسر می گردد.

و اما چهار عامل فوق الذکر عبارتند از:

۱- طلبه

۲- استاد

۳- کتاب

۴- روش

رکن اساسی موفقیت تحصیل در حوزه، خود طلبه می باشد که با جدیت و تلاش در تحصیل، تحقیق و استفاده کامل و مفید از اساتید و کتب، همراه با روش صحیح، و اعمال مدیریت تحصیلی به موفقیت نهایی نایل می گردد. لذا یک طلبه با توجه به حجم بسیار زیاد علوم و معارف اسلامی و زمان کم حیات تحصیلی، باید نهایت تلاش و کوشش برای بهره گیری صحیح از عمر تحصیلی خود بنماید.

زیرا که حیات علمی یک طلبه در سه مقطع است:

۱- عمر مفید تحصیلی: که عبارت است از زمان اولیة تحصیل و تعلّم و ایام سرمایه اندوختن علمی و اخلاقی یک طلبه، مرحله ای که تمامی دوران حیات علمی - اخلاقی در آینده مترتب بر آن است و بمنزله زیربنای ساختمان حیات علمی طلبه می باشد، که اگر نهاد و شالوده این بنا، مستحکم و استوار باشد، موجب موفقیت می گردد. و اگر این زیربنا ضعیف و متزلزل باشد، در آینده باید شاهد انهدام آن ساختمان علمی - اخلاقی و دفن آن محصل در زیر آوارهای آن بود. بنا بر این تحصیل دقیق و عمیق مقدمات و سطوح علمی - اخلاقی در حوزه های مقدسه در تمامی علوم تحصیلی، ضامن موفقیت در آینده می باشد، زیرا که تمامی کارهای علمی و اخلاقی از

سرچشمه و اندوخته و سرمایه‌های تحصیلی اولیه‌نشأت می‌گیرد. و نوعاً علماء و بزرگان محدوده زمانی این دوره را ۱۵ سال ذکر می‌نمایند.

۲- عمر مفید تحقیقی: بعد از اختتام موفقیت آمیز عمر مفید تحصیلی، این مرحله آغاز می‌گردد و زمانی است که دیگر نوعاً توان تحصیلی از دست رفته است و محصل در این دوره با سرمایه‌های علمی اندوخته شده، به تحقیق در منابع الهی می‌پردازد. و همانطور که ذکر گردید عامل موفقیت در این دوره، پیشرفت و سرمایه اندوزی وسیع از دوره قبلی و استفاده کامل از عمر مفید تحصیلی می‌باشد.

۳- عمر مفید تحقیقی: آغاز عرضه مطلب تحقیق شده به جامعه اسلامی و ایام ثمر دهی یک عالم اسلامی و منور نمودن جوامع بشری است.

بنابر این با ملاحظه این مطالب که اساس موفقیت آتی و ارزشهای علمی - اخلاقی یک طلبه، متوقف است بر تحصیل دقیق و کامل علوم تدریسی پایه و اولیه حوزوی، و علوم مورد نیاز یک دانشمند اسلامی نیز بسیار گسترده و عمیق می‌باشد، لذا باید یک طلبه، علوم مورد تحصیل در حوزه را با جدیت تمام و با روش صحیح دنبال نماید تا از این عمر مفید تحصیلی آغازین و کوتاه، نهایت بهره را ببرد. در اینجا بعضی از نکات مهم که باید یک طلبه در ایام تحصیل ادبیات عرب مراعات نماید ذکر می‌گردد، هر چند مواظبت بر این نکات در علوم دیگر نیز ضروری و لازم است.

۱- هدف و جایگاه ارزشی تحصیل ادبیات عرب برای او کاملاً روشن باشد و بداند در این علم دنبال چیست.

۲- دقیقاً با روش تحصیل ادبیات عرب آشنا باشد و آنرا بکار گیرد.

۳- جدیت و بلند همتی را سرلوحه حیات طلبگی خود قرار دهد.

۴- پیش مطالعه، پیش مباحثه (در صورت بودن وقت)، دقت در جلسه درس، مطالعه و مباحثه دقیق و سپس جزوه نویسی را بعنوان مراحل درسی خود قرار دهد.

۵- تجزیه و ترکیب، صحیح خوانی عبارات کتب، انشاء نویسی، ترجمه متن کتب تحصیلی و فهم معنای دقیق عبارات را بعنوان ثمره تحصیل ادبیات عرب،

مراعات، و در آنها دقت نماید.

۶- دوره کردن هفتگی دروس و همه کتاب با دقت بیشتر در ایام تعطیل، همواره ادامه دهد.

۷- در دروس با استاد فنی و دلسوز ملازم و مصاحب باشد.

۸- مرتباً سطح معلومات علمی خود را با اساتید دقیق و دلسوز در میان بگذارد تا نقاط ضعف و قوت او شناخته شده و اصلاح گردد.

۹- پرهیز از اتلاف وقت و صرف آن در مسائل غیر ضروری، و نهایت استفاده از اوقات خود جهت پیشرفت.

در اینجا لازم است سوالی که همواره برای بعضی از طلاب مطرح می‌باشد پاسخ داده شود. سوال این است که اگر محصلی دوران تحصیل ادبیات عرب او به پایان رسیده و مشغول فراگیری علوم دیگر حوزه از قبیل فقه و اصول می‌باشد لکن هنوز قدرت لازم در تجزیه و ترکیب عبارات، اعراب صحیح متون، فهم دقیق معانی جمل، و توان مراجعه به کتب تحقیقی و شروح بعثت ضعف در ادبیات ندارد، این گونه افراد با توجه به اهمیت علم ادبیات عرب، برای جبران، چکار باید بکنند؟

این افراد باید اولاً توسط اساتید ذوفن و دلسوز مورد بررسی دقیق کمبودها و مقدار ضعف ادبی قرار گیرند، سپس متناسب با آن، جهت جبران آن ضعفها و کمبودها برنامه ارائه شود زیرا که ابتداءً باید مقدار ضعف و نوع کمبود شناخته شود آنگاه برای علاج آن در صدد درمان بر آمد.

اگر قدرت ادبی آنها زیر ۳۰٪ است یعنی فقط از مجموعه ادبیات عرب تنها اصطلاحاتی محفوظ هستند و قادر به کاربرد قواعد ادبی بر متون نمی‌باشند و از قرآن و روایات کتب تحصیلی اصلاً نمی‌توانند استفاده برند و از کتب تدریسی حوزه تنها با بیانات استاد مقداری از عبارات درک می‌کنند و توان مراجعه به دیگر کتب بطور صحیح ندارند، باید با امیدواری و عدم راه دادن یأس بخود، دوباره دروس ادبیات را با روش صحیح، همراه استاد بخوانند.

قابل ذکر است که تعداد زیادی از علماء بعد از گذشت دوره‌ای از تحصیل، دوباره از ابتداء، شروع به تحصیل دقیق یک علم کردند و با تجربه‌ای که در این راه بدست آوردند به سرانجام کامل علمی آن رسیدند. و درک این نکته که انسان، بصیرت به ضعف علمی خویش پیدا کند، خود آغاز موفقیت اوست. اگر شخصی زیر ۵۰٪ از ادبیات عرب توان علمی دارد. یعنی قادر است بعضی از قواعد صرفی و نحوی را تطبیق بر متون نماید و معنای عبارات را تا حدودی درک کند لکن در یک صفحه تقریباً ۵۰٪ اشتباه اعرابی و قواعدی دارد، این گونه افراد باید در کنار ادامه دروس خود ویا کم کردن آن، دوباره یک درس ادبیات از ابتداء با استاد دقیق با روش صحیح بخواند و اینکار را ادامه دهد تا به خلاقیت لازم برسد و اگر شخصی قدرت و توان ۷۰٪ از ادبیات عرب را دارا، و قادر است عبارات را تقریباً صحیح بخواند و معنا کند لکن ۳۰٪ عبارات را اشتباه اعرابی و یا قواعدی دارد یعنی در مقابل سوال (چرا این اعراب برای این کلمه؟) متوقف می‌ماند، باید در کنار ادامه درسهای خود دوباره دروس را از ابتداء با دوستان فاضل خود دقیقاً با روش صحیح مباحثه کند تا به آن توان لازم نایل آید.

بحث پیرامون نقش مهم اساتید

نقش ارزنده اساتید در هدایت و ارتقاء و رشد علمی - اخلاقی طلاب بدیهی و روشن و حائز اهمیت بسیار است و ارزش تعلیمی و تحصیلی کتب تدریسی در حوزه بستگی کامل به کار اساتید دارد، و استاد، حکم کاروانسالاری را دارد که با مرکب کتاب، طلاب را به سر منزل مقصود می‌رساند.

بنابراین ارزش تعلیمی کتاب متوقف و مترتب است به ارزش تدریسی هر استاد. اما نقش اساتید ادبیات عرب در حوزه، بعلاوه تحصیل این علم در آغاز دروس حوزه، و عدم آشنایی طلاب به روش علمی - اخلاقی حوزه، و تفاوت بسیار شیوه تحصیلی با نظامهای تحصیلی دیگر، و آمادگی کامل طلاب جهت رشد در زمینه‌های مختلف، بسیار زیاد و قابل توجه می‌باشد. تاثیر عمیق خصوصیات اخلاقی و علمی استاد و در روحیه طلاب و پرورش استعداد و ایجاد روح عشق و علاقه به مراحل بعدی طلبگی توسط استاد، نقش بارز و مهم اساتید را نشان می‌دهد، لذا بزرگان علم و عمل در آسمان گهربار معارف الهی، رشد و علاقه و عشق علمی - اخلاقی خود را نوعاً مرهون دلسوزیها و زحمات و محبت‌های پدران اساتید اولیه تحصیل حوزوی خود می‌دانند.

حضرات اساتید در هر علمی بر سه قسم هستند (البته از حیث علمی):

- ۱- ماهر در تدریس کتب و متبحر در آن علم.
- ۲- ماهر در تدریس کتب غیر متبحر در آن علم.
- ۳- غیر ماهر در تدریس کتب و متبحر در آن علم.

حضرات بزرگان در انتخاب اساتید جهت تحصیل یک کتاب، مراعات همین ترتیب را می‌نموده‌اند.

نکاتی که لازم است حضرات اساتید محترم ادبیات عرب مورد دقت و توجه قرار دهند عبارتند از:

- ۱- آشنایی کامل استاد به نقش و درجه تأثیر خود در رشد طلاب و در نتیجه،

سرچشمه و اندوخته و سرمایه‌های تحصیلی اولیه‌نشات می‌گیرد. و نوعاً علماء و بزرگان محدوده زمانی این دوره را ۱۵ سال ذکر می‌نمایند.

۲- عمر مفید تحقیقی: بعد از اختتام موفقیت آمیز عمر مفید تحصیلی، این مرحله آغاز می‌گردد و زمانی است که دیگر نوعاً توان تحصیلی از دست رفته است و محصل در این دوره با سرمایه‌های علمی اندوخته شده، به تحقیق در منابع الهی می‌پردازد. و همانطور که ذکر گردید عامل موفقیت در این دوره، پیشرفت و سرمایه اندوزی وسیع از دوره قبلی و استفاده کامل از عمر مفید تحصیلی می‌باشد.

۳- عمر مفید تحقیقی: آغاز عرضه مطلب تحقیق شده به جامعه اسلامی و ایام ثمر دهی یک عالم اسلامی و منور نمودن جوامع بشری است.

بنابر این با ملاحظه این مطالب که اساس موفقیت آتی و ارزشهای علمی - اخلاقی یک طلبه، متوقف است بر تحصیل دقیق و کامل علوم تدریسی پایه و اولیه حوزوی، و علوم مورد نیاز یک دانشمند اسلامی نیز بسیار گسترده و عمیق می‌باشد، لذا باید یک طلبه، علوم مورد تحصیل در حوزه را با جدیت تمام و با روش صحیح دنبال نماید تا از این عمر مفید تحصیلی آغازین و کوتاه، نهایت بهره را ببرد. در اینجا بعضی از نکات مهم که باید یک طلبه در ایام تحصیل ادبیات عرب مراعات نماید ذکر می‌گردد، هر چند مواظبت بر این نکات در علوم دیگر نیز ضروری و لازم است.

۱- هدف و جایگاه ارزشی تحصیل ادبیات عرب برای او کاملاً روشن باشد و بداند در این علم دنبال چیست.

۲- دقیقاً با روش تحصیل ادبیات عرب آشنا باشد و آنرا بکارگیرد.

۳- جدیت و بلند همتی را سرلوحه حیات طلبگی خود قرار دهد.

۴- پیش مطالعه، پیش مباحثه (در صورت بودن وقت)، دقت در جلسه درس، مطالعه و مباحثه دقیق و سپس جزوه نویسی را بعنوان مراحل درسی خود قرار دهد.

۵- تجزیه و ترکیب، صحیح خوانی عبارات کتب، انشاء نویسی، ترجمه متن کتب تحصیلی و فهم معنای دقیق عبارات را بعنوان ثمره تحصیل ادبیات عرب،

مراعات، و در آنها دقت نماید.

۶- دوره کردن هفتگی دروس و همه کتاب با دقت بیشتر در ایام تعطیل، همواره ادامه دهد.

۷- در دروس با استاد فنی و دلسوز ملازم و مصاحب باشد.

۸- مرتباً سطح معلومات علمی خود را با اساتید دقیق و دلسوز در میان بگذارد تا نقاط ضعف و قوت او شناخته شده و اصلاح گردد.

۹- پرهیز از اتلاف وقت و صرف آن در مسائل غیر ضروری، و نهایت استفاده از اوقات خود جهت پیشرفت.

در اینجا لازم است سوالی که همواره برای بعضی از طلاب مطرح می‌باشد پاسخ داده شود. سوال این است که اگر محصلی دوران تحصیل ادبیات عرب او به پایان رسیده و مشغول فراگیری علوم دیگر حوزه از قبیل فقه و اصول می‌باشد لکن هنوز قدرت لازم در تجزیه و ترکیب عبارات، اعراب صحیح متون، فهم دقیق معانی جمل، و توان مراجعه به کتب تحقیقی و شروح بعثت ضعف در ادبیات ندارد، این گونه افراد با توجه به اهمیت علم ادبیات عرب، برای جبران، چکار باید بکنند؟

این افراد باید اولاً توسط اساتید ذوفن و دلسوز مورد بررسی دقیق کمبودها و مقدار ضعف ادبی قرار گیرند، سپس متناسب با آن، جهت جبران آن ضعفها و کمبودها برنامه ارائه شود زیرا که ابتداءً باید مقدار ضعف و نوع کمبود شناخته شود آنگاه برای علاج آن در صدد درمان بر آمد.

اگر قدرت ادبی آنها زیر ۳۰٪ است یعنی فقط از مجموعه ادبیات عرب تنها اصطلاحاتی محفوظ هستند و قادر به کاربرد قواعد ادبی بر متون نمی‌باشند و از قرآن و روایات کتب تحصیلی اصلاً نمی‌توانند استفاده برند و از کتب تدریسی حوزه تنها با بیانات استاد مقداری از عبارات درک می‌کنند و توان مراجعه به دیگر کتب بطور صحیح ندارند، باید با امیدواری و عدم راه دادن یأس بخود، دوباره دروس ادبیات را با روش صحیح، همراه استاد بخوانند.

اعتلای اسلام و درک مسئولیت خود در مقابل این وظیفه مهم الهی.

۲ - آغاز نمودن تدریس بعد از به اتمام رساندن مرحله تحصیلی و اول تحقیقاتی.

۳ - مراعات روح و هدف تحصیل ادبیات عرب در مقام تدریس و جهت دادن مطالب نظری و قوانین کتاب به سمت استفاده کاربردی آن برای فهم دقیق عبارات عرب و توجه دادن طلاب به این مطلب که حفظ این قواعد هدف اصلی تحصیل ادبیات عرب نمی باشد.

۴ - استمرار در تدریس یک کتاب و مهارت در آن.

۵ - انتخاب شیوه بیان متناسب با کلاس.

۶ - مطالعه دقیق کتاب و حواشی و شروح، قبل از تدریس.

۷ - تدقیق در مطالب کتاب و تحقیق پیرامون مسائل علمی آن و ایجاد روح تدقیق و تحقیق در طلاب.

۸ - بررسی و ارزیابی مرتب علمی - اخلاقی طلاب و مواظبت تحصیلی آنها.

۹ - دقت کافی و بررسی عوامل موفقیت طلاب و ارزیابی نقاط ضعف آنها و حل آن.

۱۰ - ارائه روش صحیح تحصیلی ادبیات عرب به طلاب.

۱۱ - ایجاد روح نشاط علمی بین طلاب.

۱۲ - ایجاد ذوق ادبی در طلاب.

۱۳ - راهنمایی طلاب جهت کاربرد و استفاده از قوانین ادبی و قرآن و روایات.

بحث پیرامون نقش کتب ادبیات عرب

کتب تحصیلی همچون کشتی نجات می باشند که با راهبری استاد و تلاش و جدیت طلبه، طلاب را به ساحل علم و عالمیت رهنمون می سازد. و نقش کتب بعنوان منبع ارائه مسائل و مطالب یک علم، اساسی و ریشه ای و بمنزله گنجینه گرانبهای آن علم می باشد. لذا کتب تحصیلی ادبیات عرب در حوزه های مقدسه علمیه، طریق و مرکب رسیدن به سر منزل مقصود علمی آن می باشند. بنا بر این قوت و یا ضعف در آن موجب اقتدار و یا سقوط و تضعیف علمی طلبه خواهد شد.

مشخصات کتب تدریسی ممتاز عبارتند از:

۱ - قوت علمی و تحقیقی مطالب.

۲ - تسهیل و تسریع در ایجاد تسلط بر آن علم.

۳ - مطابق بودن با روش صحیح تحصیلی آن علم.

بر این اساس کتبی در تحصیل ادبیات عرب مفید خواهد بود که دارای این امتیازات باشد. و بضمیمه جدیت طلبه و تدریس دقیق استاد و روش تحصیلی صحیح، تسلط لازم در ادبیات عرب حاصل می گردد.

لازم بذکر است که با ملاحظه این نکته که ثقل اکبر تدریس و تعلیم ادبیات عرب، بُعد تحصیل عملی و کار مداوم تمرینی و پیاده کردن مستمر قوانین بر عبارات است، و در رتبه بعدی کار نظری حائز اهمیت می باشد، لذا باید کتب تحصیلی ادبیات عرب در حوزه، دارای این خصوصیت، و مطابق با روش صحیح تحصیل آن باشد. و از آغاز سیر تحصیلی آن، از بُعد نظری ساده و کار عملی و تمرینی گسترده پیرامون آن قواعد نظری شروع و به بُعد نظری تحقیقی و کار عملی پیچیده و فنی ختم گردد. لکن اکثر کتب تحصیلی ادبیات توجه به بُعد نظری و بیان احکام ادبی و اختلافات در آن دارند و به بُعد عملی ادبیات توجهی ندارند و یا اندک ملاحظه ای دارند، زیرا که اصلاً علت نوشتن آنها تدریس و تحصیل نبوده است. لذا مشاهده می گردد که نوعاً تحصیل کتبی که تمام توجه آنها فقط به بُعد نظری ادبیات است و از کار فنی و کاربردی و

تمرینی احکام ادبی خالی می‌باشند، نتیجه مطلوب تحصیلی را در پی نخواهند داشت و اگر خوب نرا گرفته شوند، و آن کتب نیز در بُعد نظری بسیار قوی باشند، تنها ۳۰٪ هدف تحصیلی ادبیات در حوزه را در بر خواهد داشت. و تدریس کتب ادبیات عرب که تنها دارای بُعد نظری می‌باشند، باید با ضمیمه کردن روش صحیح و ارائه و پرداختن به بُعد عملی و کاربردی و کار تمرینی توسط استاد و در کنار تدریس و اهمیت اساسی به این بُعد دادن، مقداری باعث تصحیح و ارتقاء علمی طلاب خواهد شد و الا درخت تحصیلی ادبیات عرب که با آب حیات علمی طلبه آبیاری می‌شود به ثمر نخواهد نشست.

الحمد لله أولاً و آخراً

اساس البلاغه محمود بن عمر زمخشری انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

قم - ایران

اصول کافی ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی دارالکتب اسلامی

چاپ پنجم تهران - ایران ۱۳۶۵

اعراب القرآن الزجاج دارالكتاب اللبنانی چاپ دوم بیروت -

لبنان ۱۴۰۲ هـ - ۱۹۸۲ م

الاقتراح عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی نشر ادب حوزه قم - ایران

الاتصاف احمد بن المنیر اسکندری حاشیه الکشاف نشر ادب حوزه

قم - ایران

اوضح المسالك ابو محمد جمال الدین بن هشام داراحیاء التراث العربی

چاپ ششم بیروت - لبنان ۱۹۸۰ م

التبيان محمد بن حسن طوسی داراحیاء التراث العربی بیروت - لبنان

تحف العقول ابو محمد المحسن بن علی الحرانی للمطبوعات چاپ

پنجم بیروت - لبنان ۱۳۹۴ هـ - ۱۹۷۴ م

التصريح على التوضيح خالد بن عبد الله الازهری انتشارات ناصر خسرو

تهران - ایران

تهذيب الاصول سبحانی موسسه اسماعیلیان قم - ایران

خزانة الادب عبدالقادر بن عمر بغدادی دارصار چاپ اول

بیروت - لبنان

الخصائص ابوالفتح عثمان بن جنی مطبعة دارالکتب المصریه قاهره -

مصر ۱۳۷۱ هـ - ۱۹۵۲ م

دیوان فرزددق همام بن غالب دارکتب العلمیه چاپ اول بیروت لبنان ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م

الذریعه الى اصول الشریعة سید مرتضی علم الهدی انتشارات دانشگاه تهران

- چاپ دوم ۱۳۶۳
الرسائل امام خمینی انتشارات اسماعیلیان چاپ سوم ۱۴۱۰
ق - ۱۳۶۸ ش.
کتاب روحانیت مرتضی مطهری دفتر تبلیغات اسلامی چاپ اول
قم - ایران ۱۳۶۵
الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية زين الدين الجبمی العاملی
دارالعالم الاسلامی بیروت - لبنان
سفينة البحار شیخ عباس قمی انتشارات فراهانی - سنائی تهران - ایران
۱۳۶۳ ش.
شرح ابن عقیل عبدالله بن عقیل همدانی انتشارات ناصر خسرو چاپ
دوم تهران - ایران
شرح شواهد المغنی عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی نشر ادب حوزه
قم - ایران
شرح الکافیة محمد بن الحسن الرضی استرآبادی انتشارات مرتضویه
قم - ایران
غررالحکم عبدالواحد آمدی ترجمه محمد علی انصاری چاپ دهم
تهران - ایران
الکتاب عمر بن عثمان بن قنبر سیبویه نشر ادب حوزه قم - ایران
۱۴۰۴
الکشاف محمود بن عمر زمخشری نشر ادب حوزه قم - ایران
اللباب عبدالوهاب صابونی انتشارات دارالشرق بیروت - لبنان
لسان العرب محمد بن مکرم بن منظور نشر ادب حوزه قم - ایران
۱۴۰۵ هـ
لمع الادلة ابوالبرکات کمال الدین ابن انباری به تحقیق دکتر عطیه عامر

- بیروت - لبنان ۱۹۶۳
مبادئ الوصول الى علم الاصول علامه حلی انتشارات اعلام اسلامی
چاپ سوم قم - ایران ۱۴۰۴ ق.
مجمع البحرين فخرالدین الطریحی انتشارات مرتضوی چاپ دوم
تهران - ایران ۱۳۶۲ ش.
مجمع البیان ابوعلی فضل بن حسن طبرسی انتشارات کتابخانه آیه الله
المعظمی نجفی قم - ایران ۱۴۰۳ هـ ق.
مشکل اعراب القرآن مکی بن ابیطالب موسسه تحقیقاتی نور تهران -
ایران ۱۳۶۲ معانی القرآن ابوزکریا یحیی بن زید القراء انتشارات ناصر
خسرو چاپ اول تهران - ایران
مغنی اللیب ابومحمد جمال الدین بن هشام انتشارات ایران تبریز -
ایران
المفردات فی غریب القرآن ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی
انتشارات مرتضوی چاپ دوم تهران - ایران ۱۳۶۲ ش.
منحة الجلیل فی شرح ابن عقیل محی الدین عبدالحمید انتشارات
ناصر خسرو تهران - ایران
منية المريد زين الدين بن علی العاملی نشر مجمع الذخایر اسلامی
قم - ایران
الميزان سيد محمد حسين طباطبائی دارالکتاب اسلامی چاپ سوم
قم - ایران
النحوالوافی عباس حسن انتشارات ناصر خسرو چاپ چهارم تهران -
ایران
نهاية الافکار محمد تقی بروجردی انتشارات اسلامی قم - ایران
۱۴۰۵ ق - ۱۳۶۳ ش.

النهضة المرضية عبدالرحمن بن ابي بكر سيوطي انتشارات علمي اسلامي

تهران - ايران

جمع الهوامع عبدالرحمن بن ابي بكر سيوطي انتشارات رضى - زاهدي

قم - ايران ١٤٠٥ هـ